

امثال سلیمان

مقدمه کتاب

تندرست مانند آنانی که به گور فرو می‌روند.
 ۱۳ هر گونه اموال نفیسه را پیدا خواهیم نمود
 و خانه‌های خود را از غنیمت مملو خواهیم
 ساخت.

۱۴ قرعه خود را در میان ما بینداز. و جمیع ما
 را یک کیسه خواهد بود.»

۱۵ ای پسر من با ایشان در راه مرو. و پای
 خود را از طریقه‌های ایشان باز دار

۱۶ زیرا که پایهای ایشان برای شرارت می‌دود
 و به جهت ریختن خون می‌شتابد.

۱۷ به تحقیق، گستردن دام در نظر هر
 بالداری بی‌فایده است.

۱۸ اما ایشان به جهت خون خود کمین
 می‌سازند، و برای جان خویش پنهان می‌شوند.

۱۹ همچنین است راه‌های هر کس که طماع
 سود باشد، که آن جان مالک خود را هلاک
 می‌سازد.

تشویق به پذیرفتن حکمت

۲۰ حکمت در بیرون ندا می‌دهد و در
 خیابانهای عمومی آواز خود را بلند می‌کند.

۲۱ در سر چهارراه‌ها در دهنة دروازه‌ها
 می‌خواند و در شهر به سخنان خود متکلم
 می‌شود

۲۲ که «ای جاهلان تا به کی جهالت را
 دوست خواهید داشت؟ و تا به کی مسخره

۱ امثال سلیمان بن داود پادشاه اسرائیل،
 ۲ به جهت دانستن حکمت و عدل، و
 برای فهمیدن کلمات فهم؛

۳ به جهت اکتساب ادب معرفت‌آمیز، و
 عدالت و انصاف و استقامت؛

۴ تا ساده دلان را زیرکی بخشد، و جوانان را
 معرفت و تشخیص؛

۵ تا مرد حکیم بشنود و علم را بیفزاید، و
 مرد فهیم تدابیر را تحصیل نماید؛

۶ تا امثال و کنایات را بفهمند، کلمات
 حکیمان و معماهای ایشان را.

۷ ترس یهوه آغاز علم است، اما جاهلان
 حکمت و ادب را خوار می‌شمارند.

هشدار علیه وسوسه

۸ ای پسر من تأدیب پدر خود را بشنو، و
 تعلیم مادر خویش را ترک منما.

۹ زیرا که آنها تاج زیبایی برای سر تو، و
 جواهر برای گردن تو خواهد بود.

۱۰ ای پسر من اگر گناهکاران تو را فریفته
 سازند، قبول منما.

۱۱ اگر گویند: «همراه ما بیا تا برای خون
 در کمین بنشینیم، و برای بی‌گناهان بی‌جهت

پنهان شویم،

۱۲ مثل هاویه ایشان را زنده خواهیم بلعید، و

فواید حکمت

- ۱ ای پسر من اگر سخنان مرا قبول می نمودی و اوامر مرا نزد خود نگاه می داشتی،
- ۲ تا گوش خود را به حکمت فراگیری و دل خود را به فهم مایل گردانی،
- ۳ اگر فهم را دعوت می کردی و آواز خود را به فهم بلند می نمودی،
- ۴ اگر آن را مثل نقره می طلبیدی و مانند خزانه های مخفی جستجو می کردی،
- ۵ آنگاه ترس خداوند را می فهمیدی، و معرفت خدا را حاصل می نمودی.
- ۶ زیرا خداوند حکمت را می بخشد، و از دهان وی معرفت و فهم صادر می شود.
- ۷ به جهت مستقیمان، حکمت کامل را ذخیره می کند و برای آنانی که در کاملیت سلوک می نمایند، سپر می باشد،
- ۸ تا طریقهای انصاف را محافظت نماید و طریق مقدسان خویش را نگاه دارد.
- ۹ پس آنگاه عدالت و انصاف را می فهمیدی، و استقامت و هر طریق نیکو را.
- ۱۰ زیرا که حکمت به دل تو داخل می شد و معرفت نزد جان تو عزیز می گشت.
- ۱۱ تشخیص، تو را محافظت می نمود، و فهم، تو را نگاه می داشت،
- ۱۲ تا تو را از راه شریر رهایی بخشد، و از کسانی که به سخنان کج متکلم می شوند.
- ۱۳ که راه های راستی را ترک می کنند، و به طریقه های تاریکی سالک می شوند.
- ۱۴ از عمل بد خشنودند، و از دروغهای شیر

- کنندگان از تمسخر شادی می کنند و احمقان از معرفت نفرت می نمایند؟
- ۲۳ به سبب سرزنش من بازگشت نمایید.
- اینک روح خود را بر شما خواهم ریخت و کلمات خود را بر شما اعلام خواهم کرد.
- ۲۴ زیرا که چون خواندم، شما ابا نمودید و دستهای خود را افراشتم و کسی اعتنا نکرد.
- ۲۵ بلکه تمامی نصیحت مرا ترک نمودید و توبیخ مرا نخواستید.
- ۲۶ پس من نیز در حین مصیبت شما خواهم خندید و چون ترس بر شما مستولی شود تمسخر خواهم نمود.
- ۲۷ چون ترس مثل باد تند بر شما عارض شود، و مصیبت مثل گردباد به شما در رسد، حینی که تنگی و کاستی بر شما آید.
- ۲۸ آنگاه مرا خواهند خواند اما اجابت نخواهم کرد، و صحبگهان مرا جستجو خواهند نمود اما مرا نخواهند یافت.
- ۲۹ چونکه معرفت را مکروه داشتند، و ترس خداوند را اختیار ننمودند،
- ۳۰ و نصیحت مرا پسند نکردند، و تمامی توبیخ مرا خوار شمردند،
- ۳۱ بنابراین، از میوه طریق خود خواهند خورد، و از تدابیر خویش سیر خواهند شد.
- ۳۲ زیرا که ارتداد جاهلان، ایشان را خواهد کشت و راحت غافلانه احمقان، ایشان را هلاک خواهد ساخت.
- ۳۳ اما هر که مرا بشنود در امتیث ساکن خواهد بود، و از ترس بلا آسوده خواهد ماند.»

خرسندند.

۱۵ که در راه‌های خود ناراستند، و در

طریقهای خویش کج‌رو می‌باشند.

۱۶ تا تو را از زن اجنبی رهایی بخشد، و از زن بیگانه‌ای که سخنان تملّق‌آمیز می‌گوید،

۱۷ که مُصاحبِ جوانی خود را ترک کرده، عهد خدای خویش را فراموش نموده است.

۱۸ زیرا خانه او به مرگ فرو می‌رود و

طریقهای او به مردگان.

۱۹ کسانی که نزد وی روند برنخواهند

گشت، و به طریقهای حیات نخواهند رسید.

۲۰ تا به راه صالحان سلوک نمایی و

طریقهای عادلان را نگاه داری.

۲۱ زیرا که راستان در زمین ساکن خواهند

شد، و کاملان در آن باقی خواهند ماند.

۲۲ اما شیریان از زمین منقطع خواهند شد، و

ریشه خیانتکاران از آن کنده خواهد گشت.

سایر فواید حکمت

۳ ای پسر من، تعلیم مرا فراموش مکن و

دل تو اوامر مرا نگاه دارد،

۲ زیرا که طول ایام و سالهای حیات و صلح

را برای تو خواهد افزود.

۳ زنهار که رحمت و راستی تو را ترک نکند.

آنها را بر گردن خود ببند و بر لوح دل خود

مرقوم دار.

۴ آنگاه نعمت و رضامندی نیکو، در نظر خدا

و انسان خواهی یافت.

۵ به تمامی دل خود بر خداوند توکل نما و بر

عقل خود تکیه مکن.

۶ در همه راه‌های خود او را بشناس، و او

طریقهایت را راست خواهد گردانید.

۷ خویشتن را حکیم مپندار، از خداوند بترس

و از بدی اجتناب نما.

۸ این برای ناف تو شفا، و برای

استخوانهای مغز خواهد بود.

۹ از مایملک خود خداوند را تکریم نما و از

نوبرهای همه محصول خویش.

۱۰ آنگاه انبارهای تو به وفور نعمت پر

خواهد شد، و چرخشتهای تو از شیرۀ انگور

لبریز خواهد گشت.

۱۱ ای پسر من، تأدیب خداوند را خوار

مشمار، و توبیخ او را مکروه مدار.

۱۲ زیرا خداوند هر که را دوست دارد تأدیب

می‌نماید، مثل پدر پسر خویش را که از او

مسرور می‌باشد.

۱۳ برکت می‌گیرد کسی که حکمت را پیدا

کند، و شخصی که فهم را تحصیل نماید.

۱۴ زیرا که تجارت آن از تجارت نقره و

محصولش از طلای خالص نیکوتر است.

۱۵ از لعلها گرانبهارتر است و جمیع نغایس تو

با آن برابری نتواند کرد.

۱۶ به دست راست وی طول ایام است، و به

دست چپش دولت و جلال.

۱۷ طریقهای وی طریقهای شادمانی است و

همه راه‌های وی صلح می‌باشد.

۱۸ به جهت آنانی که او را به دست گیرند،

درخت حیات است و کسی که به او متمسک

می‌باشد خجسته است.

۱۹ خداوند به حکمت خود زمین را بنیاد

می نماید، اما متواضعان را فیض می بخشد.
 ۳۵ حکیمان وارث جلال خواهند شد، اما
 احمقان خجالت را خواهند برد.

برتر بودن حکمت

۴ ای پسران، تأدیب پدر را بشنوید و
 گوش دهید تا فهم را بفهمید،
 ۲ چونکه تعلیم نیکو به شما می دهد. پس
 شریعت مرا ترک ننمایید.
 ۳ زیرا که من برای پدر خود پسر بودم، و در
 نظر مادرم عزیز و یگانه.
 ۴ و او مرا تعلیم داده، می گفت: «دل تو به
 سخنان من متمسک شود، و اوامر مرا نگاه دار
 تا زنده بمانی.
 ۵ حکمت را تحصیل نما و فهم را پیدا کن.
 فراموش مکن و از کلمات دهانم انحراف موز.
 ۶ آن را ترک ننما که تو را محافظت خواهد
 نمود. آن را دوست دار که تو را نگاه خواهد
 داشت.
 ۷ حکمت از همه چیز برتر است. پس
 حکمت را تحصیل نما و به هر آنچه تحصیل
 نموده باشی، فهم را تحصیل کن.
 ۸ آن را محترم دار، و تو را بلند خواهد
 ساخت. و اگر او را در آغوش بکشی تو را
 بزرگ خواهد گردانید.
 ۹ بر سر تو تاج زیبایی خواهد نهاد. و افسر
 جلال به تو عطا خواهد نمود.»
 ۱۰ ای پسر من بشنو و سخنان مرا قبول نما،
 که سالهای عمرت بسیار خواهد شد.
 ۱۱ راه حکمت را به تو تعلیم دادم، و به

نهاد، و به عقل خویش آسمان را استوار نمود.
 ۲۰ به علم او لجه ها مُشَق گردید، و افلاک
 شبین را می چکانید.
 ۲۱ ای پسر من، این چیزها از نظر تو دور
 نشود. حکمت کامل و تشخیص را نگاه دار.
 ۲۲ پس برای جان تو حیات، و برای گردنت
 زینت خواهد بود.
 ۲۳ آنگاه در راه خود به امنیت سالک خواهی
 شد، و پایت نخواهد لغزید.
 ۲۴ هنگامی که بخوابی، نخواهی ترسید و
 چون دراز شوی خوابت شیرین خواهد شد.
 ۲۵ از ترس ناگهان نخواهی ترسید، و نه از
 خرابی شیران چون واقع شود.
 ۲۶ زیرا خداوند اعتماد تو خواهد بود و پای
 تو را از دام حفظ خواهد نمود.
 ۲۷ احسان را از اهلش باز مدار، هنگامی که
 به جا آوردنش در قوت دست توست.
 ۲۸ به همسایه خود مگو برو و بازگرد، و فردا
 به تو خواهیم داد، با آنکه نزد تو حاضر است.
 ۲۹ بر همسایه ات قصد بدی مکن، هنگامی
 که او نزد تو در امنیت ساکن است.
 ۳۰ با کسی که به تو بدی نکرده است،
 بی سبب مخاصمه ننما.
 ۳۱ بر مرد ظالم حسد مبر و هیچکدام از
 راه هایش را اختیار مکن.
 ۳۲ زیرا کج خلقان نزد خداوند مکروهند، اما
 سَر او نزد راستان است.
 ۳۳ لعنت خداوند بر خانه شیران است. اما
 مسکن عادلان را برکت می دهد.
 ۳۴ یقین که مسخره کنندگان را تمسخر

طریقهای راستی تو را هدایت نمودم.
 ۱۲ چون در راه بروی قدمهای تو تنگ
 نخواهد شد، و چون بدوی لغزش نخواهی
 خورد.

۱۳ ادب را به چنگ آور و آن را فرو مگذار. آن
 را نگاه دار زیرا که حیات تو است.

۱۴ به راه شریران داخل مشو، و در طریق
 گناهکاران سالک مباش.

۱۵ آن را ترک کن و به آن گذر ننما، و از آن
 اجتناب کرده، بگذر.

۱۶ زیرا که ایشان تا بدی نکرده باشند،
 نمی‌خوانند و اگر کسی را نلغزانیده باشند،
 خواب از ایشان منقطع می‌شود.

۱۷ چونکه نان شرارت را می‌خورند، و شراب
 ظلم را می‌نوشند.

۱۸ اما طریق عادلان مثل نور مشرق است که
 تا ظاهر کامل، روشنایی آن در افزایش می‌باشد.

۱۹ و اما طریق شریران مثل ظلمت غلیظ
 است، و نمی‌دانند که از چه چیز می‌لغزند.

۲۰ ای پسر من، به سخنان من توجه نما و
 گوش خود را به کلمات من فراگیر.

۲۱ آنها از نظر تو دور نشود. آنها را در اندرون
 دل خود نگاه دار.

۲۲ زیرا هر که آنها را بیابد برای او حیات
 است، و برای تمامی جسد او شفا می‌باشد.

۲۳ دل خود را به حفظ تمام نگاه دار، زیرا که
 مخرج‌های حیات از آن است.

۲۴ دهان دروغگو را از خود ببنداز، و لبهای
 کج را از خویشتن دور نما.

۲۵ چشمانت به استقامت نگران باشد، و

مژگانت پیش روی تو راست باشد.
 ۲۶ طریق پایهای خود را هموار بساز، تا همه
 طریقهای تو مستقیم باشد.
 ۲۷ به طرف راست یا چپ منحرف مشو، و
 پای خود را از بدی نگاه دار.

هشدار در مورد زنا

ای پسر من، به حکمت من توجه نما، و
 گوش خود را به فهم من فراگیر،
 ۲ تا تدابیر را محافظت نمایی، و لبهایت
 معرفت را نگاه دارد.

۳ زیرا که لبهای زن اجنبی عسل را
 می‌چکاند، و دهان او از روغن ملائم‌تر است.

۴ اما آخر او مثل اُفستین تلخ است و بُرنده
 مثل شمشیر دودم.

۵ پایهایش به مرگ فرو می‌رود، و قدمهایش
 به هاویه متمسک می‌باشد.

۶ به طریق حیات هرگز سالک نخواهد شد.
 قدمهایش آواره شده است و او نمی‌داند.

۷ و الآن ای پسرانم مرا بشنوید، و از سخنان
 دهانم انحراف مورزید.

۸ طریق خود را از او دور ساز، و به در خانه
 او نزدیک مشو.

۹ مبدا عنفوان جوانی خود را به دیگران
 بدهی، و سالهای خویش را به ستم کیشان.

۱۰ و غریبان از اموال تو سیر شوند، و ثمره
 محنت تو به خانه بیگانه رود.

۱۱ که در عاقبت خود نوحه‌گری نمایی،
 هنگامی که گوشت و بدنت فانی شده باشد،

۱۲ و گویی چرا ادب را مکروه داشتم، و دل

سخنان دهانت گرفتار شده باشی،
 ۳ پس ای پسر من، این را بکن و خویشتن را
 رهایی ده چونکه به دست همسایه‌ات افتاده‌ای.
 برو و خویشتن را فروتن ساز و از همسایه خود
 التماس نما.

۴ خواب را به چشمان خود راه مده، و نه
 چرتی را به مژگان خویش.

۵ مثل آهو خویشتن را از کمند و مانند
 گنجشک از دست صیاد خلاص کن.

۶ ای شخص کاهل نزد مورچه برو، و در
 راه‌های او تأمل کن و حکمت را بیاموز،
 ۷ که وی را پیشوایی نیست و نه سرور و نه
 حاکمی.

۸ اما خوراک خود را تابستان مهیا می‌سازد و
 آذوقه خویش را در موسم حصاد جمع می‌کند.
 ۹ ای کاهل، تا به چند خواهی خوابید و از

خواب خود کی خواهی برخاست؟
 ۱۰ اندکی خفت و اندکی خواب، و اندکی بر
 هم نهادن دستها به جهت خواب.

۱۱ پس فقر مثل راهزن بر تو خواهد آمد، و
 نیازمندی بر تو مانند مرد مسلح.

۱۲ مرد بی‌ارزش و مرد زشت‌خوی، با
 ناراستی دهان رفتار می‌کند.

۱۳ با چشمان خود غمزه می‌زند و با پایهای
 خویش حرف می‌زند. با انگشتهای خویش
 اشاره می‌کند.

۱۴ در دلش دروغها است و پیوسته شرارت
 را اختراع می‌کند. نزاعها را می‌پاشد.

۱۵ بنابراین مصیبت بر او ناگهان خواهد آمد.
 در لحظه‌ای منکسر خواهد شد و شفا نخواهد

من تنبیه را خوار شمرد،
 ۱۳ و آواز مرشدان خود را نشنیدم، و به
 معلمان خود گوش ندادم.

۱۴ نزدیک بود که هر گونه بدی را مرتکب
 شوم، در میان قوم و جماعت.

۱۵ آب را از منبع خود بنوش، و نهرهای
 جاری را از چشمه خویش.

۱۶ جویهای تو بیرون خواهد ریخت، و
 نهرهای آب در شوارع عام،

۱۷ و از آن خودت به تنهایی خواهد بود، و نه
 از آن غریبان با تو.

۱۸ چشمه تو مبارک باشد، و از زن جوانی
 خویش مسرور باش،

۱۹ مثل غزال محبوب و آهوی جمیل.
 پستانهایش تو را همیشه خرم سازد، و از محبت
 او دائماً محفوظ باش.

۲۰ اما ای پسر من، چرا از زن بیگانه فریفته
 شوی؟ و سینه زن غریب را در بر گیری؟
 ۲۱ زیرا که راه‌های انسان در مدنظر خداوند
 است، و تمامی طریقه‌های وی را می‌سنجد.

۲۲ تقصیرهای شیر او را گرفتار می‌سازد، و
 به بندهای گناهان خود بسته می‌شود.

۲۳ او بدون ادب خواهد مرد، و به کثرت
 حماقت خویش تلف خواهد گردید.

جلوه‌های جهالت

ای پسر من، اگر برای همسایه خود ضامن
 شده، و به جهت شخص بیگانه دست
 داده باشی،

۲ و از سخنان دهان خود در دام افتاده، و از

یافت.

۱۶ شش چیز است که خداوند از آنها نفرت دارد، بلکه هفت چیز که نزد جان وی مکروه است.

۱۷ چشمان متکبر و زبان دروغگو؛ و

دستهایی که خون بی‌گناه را می‌ریزد؛

۱۸ دلی که تدابیر فاسد را اختراع می‌کند؛ پایهایی که در زیان‌کاری تیزرو می‌باشند؛ ۱۹ شاهد دروغگو که به کذب متکلم شود؛ و کسی که در میان برادران نزاعها بپاشد.

۲۰ ای پسر من اوامر پدر خود را نگاه دار و تعلیم مادر خویش را ترک منما.

۲۱ آنها را بر دل خود دائماً ببند، و آنها را بر گردن خویش بیاویز.

۲۲ حینی که به راه می‌روی تو را هدایت

خواهد نمود، و حینی که می‌خوابی بر تو دیده‌بانی خواهد کرد، و وقتی که بیدار شوی با تو مکالمه خواهد نمود.

۲۳ زیرا که احکام (ایشان) چراغ و تعلیم (ایشان) نور است، و توبیخ تدبیرآمیز طریق حیات است.

۲۴ تا تو را از زن خبیثه نگاه دارد، و از چاپلوسی زبان‌زن بیگانه.

۲۵ در دلت مشتاق جمال وی مباش، و از پلکهایش فریفته مشو،

۲۶ زیرا که به سبب زن زانیه، شخص برای یک قرص نان محتاج می‌شود، و زن مرد دیگر، جان گرانها را صید می‌کند.

۲۷ آیا کسی آتش را در آغوش خود بگیرد و جامه‌اش سوخته نشود؟

۲۸ یا کسی بر اخگرهای سوزنده راه رود و

پایهایش سوخته نگردهد؟

۲۹ همچنین است کسی که نزد زن همسایه خویش داخل شود، زیرا هر که او را لمس نماید بی‌گناه نخواهد ماند.

۳۰ دزد را اهانت نمی‌کنند اگر دزدی کند تا جان خود را سیر نماید وقتی که گرسنه باشد.

۳۱ اما اگر گرفته شود، هفت چندان رد خواهد نمود و تمامی اموال خانه خود را خواهد داد.

۳۲ اما کسی که با زنی زنا کند، ناقص‌العقل است و هر که چنین عمل نماید، جان خود را هلاک خواهد ساخت.

۳۳ او ضرب و رسوایی خواهد یافت، و ننگ او محو نخواهد شد.

۳۴ زیرا که غیرت، شدت خشم مرد است و در روز انتقام، شفقت نخواهد نمود.

۳۵ بر هیچ کفاره‌ای نظر نخواهد کرد و هر چند عطایا را زیاده کنی، قبول نخواهد نمود.

هشدار درباره زنا

ای پسر من سخنان مرا نگاه دار، و اوامر مرا نزد خود ذخیره نما.

۲ اوامر مرا نگاه دار تا زنده بمانی، و تعلیم مرا مثل مردمک چشم خویش.

۳ آنها را بر انگشتهای خود ببند و آنها را بر لوح قلب خود مرقوم دار.

۴ به حکمت بگو که تو خواهر من هستی و فهم را دوست خویش بخوان

۵ تا تو را از زن اجنبی نگاه دارد، و از زن

- ۲۰ کیسه نقره‌ای به دست گرفته و تا روز بدر تمام مراجعت نخواهد نمود.»
- ۲۱ پس او را از زیادتى سخنانش فریفته کرد، و از تملق لبهایش او را اغوا نمود.
- ۲۲ در ساعت از عقب او مثل گاوی که به سلاح خانه می‌رود، روانه شد و مانند احمق به زنجیرهای قصاص.
- ۲۳ تا تیره جگرش فرو رود، مثل گنجشکی که به دام می‌شتابد و نمی‌داند که به خطر جان خود می‌رود.
- ۲۴ پس حال ای پسران مرا بشنوید، و به سخنان دهانم توجه نمایید.
- ۲۵ دل تو به راه‌هایش مایل نشود، و به طریقهایش گمراه مشو،
- ۲۶ زیرا که او بسیاری را مجروح انداخته است، و جمیع کشتگانش زورآوراند.
- ۲۷ خانه او طریق هاویه است و به حجره‌های مرگ سرازیر می‌شود.
- ندای حکمت**
- آیا حکمت ندا نمی‌کند، و فهم آواز خود را بلند نمی‌نماید؟
- ۲ به سر مکان‌های بلند، به کناره راه، در میان طریقها می‌ایستد.
- ۳ به جانب دروازه‌ها به دهنه شهر، نزد مدخل دروازه‌ها صدا می‌زند.
- ۴ که شما را ای مردان می‌خوانم و آواز من به بنی آدم است.
- ۵ ای جاهلان زیرکی را بفهمید و ای احمقان عقل را درک نمایید.
- غریبی که سخنان تملق‌آمیز می‌گوید.
- ۶ زیرا که از دریچه خانه خود نگاه کردم، و از پشت شبکه خویش.
- ۷ در میان جاهلان دیدم، و در میان جوانان، جوانی ناقص‌العقل مشاهده نمودم،
- ۸ که در کوچه به سوی گوشه او می‌گذشت، و به راه خانه وی می‌رفت،
- ۹ در شام در حین زوال روز، در سیاهی شب و در ظلمت غلیظ؛
- ۱۰ که اینک زنی به استقبال وی می‌آمد، در لباس زانیه و در خبثت دل.
- ۱۱ زنی یاهوگو و سرکش که پایهایش در خانه‌اش قرار نمی‌گیرد.
- ۱۲ گاهی در کوچه‌ها و گاهی در شوارع عام، و نزد هر گوشه‌ای در کمین می‌باشد.
- ۱۳ پس او را بگرفت و بوسید و چهره خود را بی‌حیا ساخته، او را گفت:
- ۱۴ «نزد من ذبایح صلح است، زیرا که امروز نذرهای خود را وفا نمودم.
- ۱۵ از این جهت به استقبال تو بیرون آمدم، تا روی تو را به سعی تمام بطلبم و حال تو را یافتم.
- ۱۶ بر بستر خود دوشکها گسترانیده‌ام، با دیباها از کتان مصری.
- ۱۷ بستر خود را با مژ و عود و سلیخه معطر ساخته‌ام.
- ۱۸ بیا تا صبح از عشق سیر شویم، و خویشتن را از محبت خرّم سازیم.
- ۱۹ زیرا صاحب‌خانه در خانه نیست، و سفر دور رفته است.

- ۶ بشنوید زیرا که به امور عالیّه تکلم می‌نمایم
و گشادن لپهایم استقامت است.
- ۷ دهانم به راستی تنطق می‌کند و لپهایم
شرارت را مکروه می‌دارد.
- ۸ همه سخنان دهانم بر حق است و در آنها
هیچ چیز کجی یا ناراستی نیست.
- ۹ تمامی آنها نزد مرد فهیم واضح است و نزد
یابندگان معرفت مستقیم است.
- ۱۰ تأدیب مرا قبول کنید و نه نقره را، و
معرفت را بیشتر از طلای خالص.
- ۱۱ زیرا که حکمت از لعلها بهتر است، و
جمع نفایس را به او برابر نتوان کرد.
- ۱۲ من حکمتم و در زیرکی سکونت دارم، و
معرفت تدبیر را یافته‌ام.
- ۱۳ ترس خداوند، مکروه داشتن بدی است.
غرور و تکبر و راه بد و دهان دروغگو را مکروه
می‌دارم.
- ۱۴ مشورت و حکمت کامل از آن من است.
من فهم هستم و قوت از آن من است.
- ۱۵ به من پادشاهان سلطنت می‌کنند، و
داوران به عدالت فتوا می‌دهند.
- ۱۶ به من سروران حکمرانی می‌نمایند و
شریفان و جمیع داوران جهان.
- ۱۷ من دوست می‌دارم آنانی را که مرا دوست
می‌دارند. و هر که مرا به سعی و کوشش بطلبد
مرا خواهد یافت.
- ۱۸ دولت و جلال با من است. توانگری
جاودانی و عدالت.
- ۱۹ ثمره من از طلا و زر ناب بهتر است، و
حاصل من از نقره خالص.
- ۲۰ در طریق عدالت می‌خرامم، در میان
راه‌های انصاف،
- ۲۱ تا مال حقیقی را نصیب محبان خود
گردانم، و خزینه‌های ایشان را مملو سازم.
- ۲۲ خداوند مرا مبدء طریق خود داشت، قبل
از اعمال خویش از ازل.
- ۲۳ من از ازل برقرار بودم، از ابتدا پیش از
بودن جهان.
- ۲۴ هنگامی که لجه‌ها نبود من مولود شدم،
وقتی که چشمه‌های پر از آب وجود نداشت.
- ۲۵ قبل از آنکه کوه‌ها برپا شود، پیش از تله‌ها
مولود گردیدم.
- ۲۶ چون زمین و صحراها را هنوز نساخته
بود، و نه اول غبار ربع مسکون را.
- ۲۷ وقتی که او آسمان را مستحکم ساخت
من آنجا بودم، و هنگامی که دایره را بر سطح
لجه قرار داد.
- ۲۸ وقتی که افلاک را بالا استوار کرد، و
چشمه‌های لجه را استوار گردانید.
- ۲۹ چون به دریا حدّ قرار داد، تا آنها از فرمان
او تجاوز نکنند، و زمانی که بنیاد زمین را نهاد.
- ۳۰ آنگاه نزد او معمار بودم، و روز به روز
شادی می‌نمودم، و همیشه به حضور او
پایکوبی می‌کردم.
- ۳۱ و پایکوبی من در آبادی زمین وی، و
شادی من با بنی آدم می‌بود.
- ۳۲ پس الآن ای پسران مرا بشنوید، و برکت
می‌گیرند آنانی که طریق‌های مرا نگاه دارند.
- ۳۳ تأدیب را بشنوید و حکیم باشید، و آن را
رد ننمایید.

افزود.

۱۰ ابتدای حکمت ترس خداوند است، و

معرفة قدوس فهم می‌باشد.

۱۱ زیرا که به واسطه من روزهای تو کثیر

خواهد شد، و سالهای عمر از برایت زیاده

خواهد گردید.

۱۲ اگر حکیم هستی، برای خویشان حکیم

هستی. و اگر تمسخر نمایی به تنهایی متحمل

آن خواهی بود.»

۱۳ زن احمق یاوه گو است، جاهل است و

هیچ نمی‌داند،

۱۴ و نزد در خانه خود می‌نشیند، در مکانهای

بلند شهر بر کرسی،

۱۵ تا راه رونندگان را بخواند، و آنانی را که به

راه‌های خود به راستی می‌روند.

۱۶ هر که جاهل باشد به اینجا برگردد، و به

ناقص‌العقل می‌گوید:

۱۷ «آبهای دزدیده شده شیرین است، و نان

خفیه لذیذ می‌باشد.»

۱۸ و او نمی‌داند که مردگان در آنجا هستند،

و دعوت شدگان در عمقهای هاویه می‌باشند.

امثال سلیمان

امثال سلیمان: پسر حکیم پدر خود را

مسرور می‌سازد، اما پسر احمق باعث

حزن مادرش می‌شود.

۲ گنجهای شرارت منفعت ندارد، اما عدالت

از مرگ رهایی می‌دهد.

۳ خداوند جان مرد عادل را نمی‌گذارد گرسنه

بشود، اما آرزوی شیران را باطل می‌سازد.

۳۴ برکت می‌گیرد کسی که مرا بشنود، و هر

روز نزد درهای من دیده‌بانی کند، و باهوهای

دروازه‌های مرا محافظت نماید.

۳۵ زیرا هر که مرا یابد حیات را تحصیل

کند، و رضامندی خداوند را حاصل نماید.

۳۶ و اما کسی که مرا خطا کند، به جان خود

ضرر رساند، و هر که مرا دشمن دارد، مرگ را

دوست دارد.

دعوت حکمت و جهالت

حکمت، خانه خود را بنا کرده، و هفت

ستونهای خویش را تراشیده است.

۲ ذبایح خود را ذبح نموده و شراب خود را

ممزوج ساخته و سفره خود را نیز آراسته است.

۳ کنیزان خود را فرستاده، ندا کرده است، بر

پشتهای بلند شهر:

۴ «هر که جاهل باشد به اینجا بیاید، و هر که

ناقص‌العقل است،» او را می‌گوید.

۵ «بیاید از غذای من بخورید، و از شرابی

که ممزوج ساخته‌ام بنوشید.

۶ جهالت را ترک کرده، زنده بمانید، و به

طریق فهم سلوک نمایید.

۷ هر که تمسخرکننده را تأدیب نماید، برای

خویشان رسوایی را تحصیل کند، و هر که

شریر را تنبیه نماید برای او عیب می‌باشد.

۸ تمسخرکننده را تنبیه منما مبادا از تو نفرت

کند، اما مرد حکیم را تنبیه نما که تو را دوست

خواهد داشت.

۹ مرد حکیم را پند ده که زیاده حکیم خواهد

شد. مرد عادل را تعلیم ده که علمش خواهد

۱۷ کسی که تأدیب را نگاه دارد در طریق حیات است، اما کسی که تنبیه را ترک نماید گمراه می‌شود.

۱۸ کسی که تنفر را می‌پوشاند دروغگو می‌باشد. کسی که تهمت را شیوع دهد احمق است.

۱۹ کثرت کلام از گناه خالی نمی‌باشد، اما آنکه لبهائش را ضبط نماید عاقل است.

۲۰ زبان عادلان نقره‌خالص است، اما دل شیرین بی‌ارزش می‌باشد.

۲۱ لبهای عادلان بسیاری را رعایت می‌کند، اما احمقان از بی‌عقلی می‌میرند.

۲۲ برکت خداوند دولت‌مند می‌سازد، و هیچ زحمت بر آن نمی‌افزاید.

۲۳ جاهل در عمل بد اهتزاز دارد، و صاحب فهم در حکمت.

۲۴ ترس شیرین به ایشان می‌رسد، و آرزوی عادلان به ایشان عطا خواهد شد.

۲۵ مثل گذشتن گردباد، شریر نابود می‌شود، اما مرد عادل بنیاد جاودانی است.

۲۶ چنانکه سرکه برای دندان و دود برای چشمان است، همچنین است مرد کاهل برای آنانی که او را می‌فرستند.

۲۷ ترس خداوند عمر را طویل می‌سازد، اما سالهای شیرین کوتاه خواهد شد.

۲۸ انتظار عادلان شادمانی است، اما امید شیرین ضایع خواهد شد.

۲۹ طریق خداوند به جهت کاملان قلعه است، اما به جهت عاملان شرّ هلاکت می‌باشد.

۴ کسی که به دست سست کار می‌کند فقیر می‌گردد، اما دست چابک غنی می‌سازد.

۵ کسی که در تابستان جمع کند پسر عاقل است، اما کسی که در موسم حصاد می‌خوابد، پسر شرم آورنده است.

۶ بر سر عادلان برکت‌ها است، اما ظلم دهان شیرین را می‌پوشاند.

۷ یادگار عادلان مبارک است، اما اسم شیرین خواهد گنید.

۸ دانا دل، احکام را قبول می‌کند، اما احمق پرگو تلف خواهد شد.

۹ کسی که به راستی راه رود، در امنیت سالک گردد، و کسی که راه خود را کج می‌سازد آشکار خواهد شد.

۱۰ هر که چشمک می‌زند الم می‌رساند، اما احمق پرگو تلف می‌شود.

۱۱ دهان عادلان چشمه حیات است، اما ظلم دهان شیرین را می‌پوشاند.

۱۲ بغض نزاعها می‌انگیزاند، اما محبت هر گناه را مستور می‌سازد.

۱۳ در لبهای فهیمان حکمت یافت می‌شود، اما چوب به جهت پشت مرد ناقص العقل است.

۱۴ حکیمان علم را ذخیره می‌کنند، اما دهان احمق نزدیک به هلاکت است.

۱۵ اموال دولت‌مندان شهر حصاردار ایشان می‌باشد، اما بینوایی فقیران هلاکت ایشان است.

۱۶ عمل مرد عادل به حیات می‌رساند، اما محصول شریر به گناه می‌انجامد.

۱۱ از برکت راستان، شهر مرتفع می‌شود، اما از دهان شیریان منهدم می‌گردد.

۱۲ کسی که همسایه خود را حقیر شمارد ناقص‌العقل می‌باشد، اما صاحب فهم ساکت می‌ماند.

۱۳ کسی که به سخن چینی گردش می‌کند، سرّها را فاش می‌سازد، اما شخص امین دل، امر را مخفی می‌دارد.

۱۴ جایی که تدبیر نیست مردم می‌افتند، اما صلح از کثرت مشیران است.

۱۵ کسی که برای غریب ضامن شود البته ضرر خواهد یافت، و کسی که ضمانت را مکروه دارد ایمن می‌باشد.

۱۶ زن نیکو سیرت عزّت را نگاه می‌دارد، چنانکه زورآوران دولت را محافظت می‌نمایند.

۱۷ مرد رحیم به خویشتن احسان می‌نماید، اما مرد ستم کیش جسد خود را می‌رنجاند.

۱۸ شیریر اجرت فریبنده تحصیل می‌کند، اما کارنده عدالت مزد حقیقی را.

۱۹ چنانکه عدالت به حیات می‌انجامد، همچنین هر که شرارت را پیروی نماید او را به مرگ می‌رساند.

۲۰ کج خلقان نزد خداوند مکروهند، اما کاملان طریق پسندیده او می‌باشند.

۲۱ یقیناً شیریر مبرّا نخواهد شد، اما نسل عادلان نجات خواهند یافت.

۲۲ زن جمیله بی‌عقل حلقه زرّین است در بینی گراز.

۲۳ آرزوی عادلان نیکویی محض است، اما انتظار شیریران، غضب می‌باشد.

۳۰ مرد عادل هرگز متحرک نخواهد شد، اما شیریران در زمین ساکن نخواهند گشت.

۳۱ دهان صدیقان حکمت را می‌رویاند، اما زبان دروغگویان از ریشه کنده خواهد شد.

۳۲ لبهای عادلان به امور پسندیده عارف است، اما دهان شیریران پر از دروغ‌ها است.

ترازوی با تقلّب نزد خداوند مکروه است، اما سنگ تمام پسندیده او

است.

۲ چون تکبر می‌آید خجالت می‌آید،

اما حکمت با متواضعان است.

۳ کاملیت راستان ایشان را هدایت می‌کند، اما کجی خیانتکاران ایشان را هلاک می‌سازد.

۴ توانگری در روز غضب منفعت ندارد، اما عدالت از مرگ رهایی می‌بخشد.

۵ عدالت مرد کامل طریق او را راست می‌سازد، اما شیریر از شرارت خود هلاک می‌گردد.

۶ عدالت راستان ایشان را خلاصی می‌بخشد، اما خیانتکاران در خیانت خود گرفتار می‌شوند.

۷ چون مرد شیریر بمیرد امید او نابود می‌گردد، و انتظار زورآوران تلف می‌شود.

۸ مرد عادل از تنگی خلاص می‌شود و شیریر به جای او می‌آید.

۹ مرد منافق به دهانش همسایه خود را هلاک می‌سازد، و عادلان به معرفت خویش نجات می‌یابند.

۱۰ از سعادت‌مندی عادلان، شهر شادی می‌کند، و از هلاکت شیریران ابتهاج می‌نماید.

- ۴ زن صالحه تاج شوهر خود می‌باشد، اما زنی که خجل سازد مثل یوسیدگی در استخوانهایش می‌باشد.
- ۵ فکراهای عادلان انصاف است، اما تدابیر شیرین فریب است.
- ۶ سخنان شیرین برای خون درکمین است، اما دهان راستان ایشان را رهایی می‌دهد.
- ۷ شیرین واژگون شده، نیست می‌شوند، اما خانه عادلان برقرار می‌ماند.
- ۸ انسان برحسب عقلش ممدوح می‌شود، اما کج‌دلان خجل خواهند گشت.
- ۹ کسی که حقیر باشد و خادم داشته باشد، بهتر است از کسی که خویشتن را برافرازد و محتاج نان باشد.
- ۱۰ مرد عادل برای جان حیوان خود تفکر می‌کند، اما رحمت‌های شیرین ستم‌کشی است.
- ۱۱ کسی که زمین خود را زرع کند از نان سیر خواهد شد، اما هر که بیهودگی را پیروی نماید ناقص‌العقل است.
- ۱۲ مرد شیرین به شکار بدکاران طمع می‌ورزد، اما ریشه عادلان میوه می‌آورد.
- ۱۳ در تقصیر لبها دام مهلک است، اما مرد عادل از تنگی بیرون می‌آید.
- ۱۴ انسان از ثمره دهان خود از نیکویی سیر می‌شود، و مکافات دست انسان به او رد خواهد شد.
- ۱۵ راه احمق در نظر خودش راست است، اما هر که نصیحت را بشنود حکیم است.
- ۱۶ غضب احمق فوراً آشکار می‌شود، اما خردمند خجالت را می‌پوشاند.

- ۲۴ هستند که می‌پاشند و بیشتر می‌اندوزند؛ و هستند که زیاده از آنچه شاید، نگاه می‌دارند اما به نیازمندی می‌انجامد.
- ۲۵ شخص سخاوتمند غنی می‌شود، و هر که سیراب می‌کند خود نیز سیراب خواهد گشت.
- ۲۶ هر که غله را نگاه دارد مردم او را لعنت خواهند کرد، اما بر سر فروشنده آن برکت خواهد بود.
- ۲۷ کسی که نیکویی را بطلبد رضامندی را می‌جوید، و هر که بدی را بطلبد بر او عارض خواهد شد.
- ۲۸ کسی که بر توانگری خود توکل کند، خواهد افتاد، اما عادلان مثل برگ سبز شکوفه خواهند آورد.
- ۲۹ هر که اهل خانه خود را برنجاند نصیب او، باد خواهد بود، و احمق بنده حکیم‌دلان خواهد شد.
- ۳۰ ثمره مرد عادل درخت حیات است، و کسی که جانها را صید کند حکیم است.
- ۳۱ اینک مرد عادل بر زمین جزا خواهد یافت، پس چند مرتبه زیاده مرد شیرین و گناهار.
- ۱۲ هر که تأدیب را دوست می‌دارد معرفت را دوست می‌دارد، اما هر که از تنبیه نفرت کند وحشی است.
- ۲ مرد نیکو رضامندی خداوند را تحصیل می‌نماید، اما او صاحب تدبیر فاسد را ملزم خواهد ساخت.
- ۳ انسان از بدی استوار نمی‌شود، اما ریشه عادلان جنبش نخواهد خورد.

۳ هر که دهان خود را نگاه دارد جان خویش را محافظت نماید، اما کسی که لبهای خود را بگشاید هلاک خواهد شد.

۴ شخص کاهل آرزو می کند و چیزی پیدا نمی کند. اما شخص زرنگ سیر خواهد شد.

۵ مرد عادل از دروغ گفتن نفرت دارد، اما شریر رسوا و خجل خواهد شد.

۶ عدالت کسی را که در طریق خود کامل است محافظت می کند، اما شرارت، گناهکاران را هلاک می سازد.

۷ هستند که خود را دولتمند می شمارند و هیچ ندارند، و هستند که خویشتن را فقیر می انگارند و دولت بسیار دارند.

۸ دولت شخص فدیۀ جان او خواهد بود، اما فقیر تهدید را نخواهد شنید.

۹ نور عادلان شادمان خواهد شد، اما چراغ شریران خاموش خواهد گردید.

۱۰ از تکبر جز نزاع چیزی پیدا نمی شود، اما با آنانی که پند می پذیرند حکمت است.

۱۱ دولتی که از بطلت پیدا شود در تناقص می باشد، اما هر که به دست خود اندوزد در تزیاد خواهد بود.

۱۲ امیدی که در آن تعویق باشد باعث بیماری دل است، اما حصول مراد درخت حیات می باشد.

۱۳ هر که کلام را خوار شمارد خویشتن را هلاک می سازد، اما هر که از حکم می ترسد ثواب خواهد یافت.

۱۴ تعلیم مرد حکیم چشمه حیات است، تا از دامهای مرگ رهایی دهد.

۱۷ هر که به راستی تنطق نماید عدالت را ظاهر می کند، و شاهد دروغ، فریب را.

۱۸ هستند که مثل ضرب شمشیر حرفهای باطل می زنند، اما زبان حکیمان شفا می بخشد.

۱۹ لب راستگو تا به ابد استوار می ماند، اما زبان دروغگو لحظه ای است.

۲۰ در دل هر که تدبیر فاسد کند فریب

است، اما مشورت دهندگان صلح را شادمانی است.

۲۱ هیچ بدی به مرد صالح واقع نمی شود، اما شریران از بلا پُر خواهند شد.

۲۲ لبهای دروغگو نزد خداوند مکروه است، اما عاملان راستی پسندیده او هستند.

۲۳ مرد زیرک علم را مخفی می دارد، اما دل احمقان حماقت را شایع می سازد.

۲۴ دست شخص زرنگ سلطنت خواهد نمود، اما مرد کاهل بندگی خواهد کرد.

۲۵ کدورت دل انسان، او را منحی می سازد، اما سخن نیکو او را شادمان خواهد گردانید.

۲۶ مرد عادل برای همسایه خود هادی می شود، اما راه شریران ایشان را گمراه می کند.

۲۷ مرد کاهل شکار خود را بریان نمی کند، اما زرنگی، توانگری گرانهای انسان است.

۲۸ در طریق عدالت حیات است، و در گذرگاه هایش مرگ نیست.

پسر حکیم تأدیب پدر خود را اطاعت می کند، اما تمسخر کننده تهدید را نمی شنود.

۲ مرد از میوه دهانش نیکویی را می خورد، اما جان خیانتکاران، ظلم را خواهد خورد.

خداوند می ترسد، اما کسی که در طریق خود کج رفتار است او را تحقیر می نماید.

۳ در دهان احمق چوب تکبر است، اما لبهای حکیمان ایشان را محافظت خواهد نمود.

۴ جایی که گاو نیست، آخور پاک است؛ اما از قوت گاو، محصول زیاد می شود.

۵ شاهد امین دروغ نمی گوید، اما شاهد دروغ به کذب تنطق می کند.

۶ تمسخرکننده حکمت را می طلبد و نمی یابد. اما به جهت مرد فهم علم آسان است.

۷ از حضور مرد احمق دور شو، زیرا لبهای معرفت را در او نخواهی یافت.

۸ حکمت مرد زیرک این است که راه خود را درک نماید، اما حماقت احمقان فریب است.

۹ احمقان به گناه تمسخر می کنند، اما در میان راستان رضامندی است.

۱۰ دل شخص تلخی خویشتن را می داند، و غریب در خوشی آن مشارکت ندارد.

۱۱ خانه شیریان منهدم خواهد شد، اما خیمه راستان شکوفه خواهد آورد.

۱۲ راهی هست که به نظر آدمی مستقیم می نماید، اما عاقبت آن، طُرق مرگ است.

۱۳ هم در لهو و لعب دل غمگین می باشد، و عاقبت این خوشی حُزن است.

۱۴ کسی که در دل مرتد است از راههای خود سیر می شود، و مرد صالح به خود سیر است.

۱۵ مرد جاهل هر سخن را باور می کند، اما مرد زیرک در رفتار خود تأمل می نماید.

۱۵ عقل نیکو نعمت را می بخشد، اما راه خیانتکاران، سخت است.

۱۶ هر شخص زیرک با علم عمل می کند، اما احمق حماقت را منتشر می سازد.

۱۷ قاصد شیریر در بلا گرفتار می شود، اما رسول امین شفا می بخشد.

۱۸ فقر و اهانت برای کسی است که تأدیب را ترک نماید، اما هر که تنبیه را قبول کند محترم خواهد شد.

۱۹ آرزویی که حاصل شود برای جان شیرین است، اما اجتناب از بدی، مکروه احمقان می باشد.

۲۰ با حکیمان رفتار کن و حکیم خواهی شد، اما رفیق جاهلان ضرر خواهد یافت.

۲۱ بلا گناهکاران را تعاقب می کند، اما عادلان، جزای نیکو خواهند یافت.

۲۲ مرد صالح پسران پسران را ارث خواهد داد، و دولت گناهکاران برای عادلان ذخیره خواهد شد.

۲۳ در مزرعه فقیران خوراک بسیار است، اما هستند که از بی انصافی هلاک می شوند.

۲۴ کسی که چوب را باز دارد، از پسر خویش نفرت می کند، اما کسی که او را دوست می دارد او را به سعی تمام تأدیب می نماید.

۲۵ مرد عادل برای سیری جان خود می خورد، اما شکم شیریان محتاج خواهد بود.

هر زن حکیم خانه خود را بنا می کند، اما زن جاهل آن را با دست خود خراب می نماید.

۲ کسی که به راستی خود سلوک می نماید از

- ۱۶ مرد حکیم می‌ترسد و از بدی اجتناب می‌نماید، اما احمق از غرور خود ایمن می‌باشد.
- ۱۷ مرد کج خلق، احمقانه رفتار می‌نماید، و (مردم) از صاحب سؤزن نفرت دارند.
- ۱۸ نصیب جاهلان حماقت است، اما معرفت، تاج زیرکان خواهد بود.
- ۱۹ بدکاران در حضور نیکان خم می‌شوند، و شیریان نزد دروازه‌های عادلان می‌ایستند.
- ۲۰ همسایه فقیر نیز از او نفرت دارد، اما دوستان شخص دولتمند بسیارند.
- ۲۱ هر که همسایه خود را حقیر شمارد گناه می‌ورزد، اما برکت می‌گیرد کسی که بر فقیران ترحم نماید.
- ۲۲ آیا صاحبان تدبیر فاسد گمراه نمی‌شوند، اما برای کسانی که تدبیر نیکو می‌نمایند، رحمت و راستی خواهد بود.
- ۲۳ از هر مشقتی منفعت است، اما کلام لبها به فقر محض می‌انجامد.
- ۲۴ تاج حکیمان دولت ایشان است، اما حماقت احمقان حماقت محض است.
- ۲۵ شاهد امین جانها را نجات می‌بخشد، اما هر که به دروغ تنطق می‌کند فریب محض است.
- ۲۶ در ترس خداوند اعتماد قوی است، و فرزندان او را ملجأ خواهد بود.
- ۲۷ ترس خداوند چشمه حیات است، تا از دامهای مرگ اجتناب نمایند.
- ۲۸ جلال پادشاه از کثرت مخلوق است، و شکستگی سلطان از کمی مردم است.
- ۲۹ کسی که دیر غضب باشد فهیم است، و کج خلق حماقت را به نصیب خود می‌برد.
- ۳۰ دل آرام حیات بدن است، اما حسد پوسیدگی استخوانها است.
- ۳۱ هر که بر فقیر ظلم کند آفریننده خود را حقیر می‌شمارد، و هر که بر مسکین ترحم کند او را تمجید می‌نماید.
- ۳۲ شریر از شرارت خود به زیر افکنده می‌شود، اما مرد عادل چون بمیرد اعتماد دارد.
- ۳۳ حکمت در دل مرد فهیم ساکن می‌شود، اما در اندرون جاهلان آشکار می‌گردد.
- ۳۴ عدالت قوم را رفیع می‌گرداند، اما گناه برای قوم، عار است.
- ۳۵ رضامندی پادشاه بر خادم عاقل است، اما غضب او بر پست فطرتان.
- ۱۵ جواب نرم خشم را برمی‌گرداند، سخن تلخ غیظ را به هیجان می‌آورد.
- ۲ زبان حکیمان علم را زینت می‌بخشد، اما دهان احمقان به حماقت تنطق می‌نماید.
- ۳ چشمان خداوند در همه جاست، و بر بدان و نیکان می‌نگرد.
- ۴ زبان ملایم، درخت حیات است و کجی آن، شکستگی روح است.
- ۵ احمق تأدیب پدر خود را خوار می‌شمارد، اما هر که تنبیه را نگاه دارد زیرک می‌باشد.
- ۶ در خانه مرد عادل گنج عظیم است، اما محصول شیریان، کدورت است.
- ۷ لبهای حکیمان معرفت را منتشر می‌سازد، اما دل احمقان، مستحکم نیست.
- ۸ قربانی شیریان نزد خداوند مکروه است،

۲۲ از عدم مشورت، تدبیرها باطل می‌شود،
 اما از کثرت مشورت دهندگان برقرار می‌ماند.
 ۲۳ برای انسان از جواب دهانش شادی
 حاصل می‌شود، و سخنی که در محلش گفته
 شود چه بسیار نیکو است.
 ۲۴ طریق حیات برای عاقلان به سوی بالا
 است، تا از هاویۀ اسفل دور شود.
 ۲۵ خداوند خانه متکبران را منهدم می‌سازد،
 اما حدود بیوه‌زن را استوار می‌نماید.
 ۲۶ تدبیرهای فاسد نزد خداوند مکروه است،
 اما سخنان پسندیده برای طاهران است.
 ۲۷ کسی که حریص سود باشد خانۀ خود را
 مکدر می‌سازد، اما هر که از هدیه‌ها نفرت دارد
 خواهد زیست.
 ۲۸ دل مرد عادل در جواب دادن تفکر
 می‌کند، اما دهان شیران، چیزهای بد را جاری
 می‌سازد.
 ۲۹ خداوند از شیران دور است، اما دعای
 عادلان را می‌شنود.
 ۳۰ نور چشمان دل را شادمان می‌سازد، و
 خبر نیکو استخوانها را پر مغز می‌نماید.
 ۳۱ گوشی که تنبیه حیات را بشنود، در میان
 حکیمان ساکن خواهد شد.
 ۳۲ هر که تأدیب را ترک نماید، جان خود را
 حقیر می‌شمارد، اما هر که تنبیه را بشنود عقل
 را تحصیل می‌نماید.
 ۳۳ ترس خداوند مریب حکمت است، و
 تواضع پیشرو احترام می‌باشد.
 تدبیرهای دل از آن انسان است، اما
 تنطق زبان از جانب خداوند می‌باشد.

اما دعای راستان پسندیده اوست.
 ۹ راه شیران نزد خداوند مکروه است، اما
 پیروان عدالت را دوست می‌دارد.
 ۱۰ برای هر که طریق را ترک نماید تأدیب
 سخت است، و هر که از تنبیه نفرت کند
 خواهد مرد.
 ۱۱ هاویه و آبدون در حضور خداوند است،
 پس چند مرتبه زیاده دل‌های بنی‌آدم.
 ۱۲ تمسخرکننده تنبیه را دوست ندارد، و نزد
 حکیمان نخواهد رفت.
 ۱۳ دل شادمان چهره را زینت می‌دهد، اما از
 تلخی دل روح منکسر می‌شود.
 ۱۴ دل مرد فهیم معرفت را می‌طلبد، اما دهان
 احمقان حماقت را می‌چرد.
 ۱۵ تمامی روزهای مصیبت کشان بد است،
 اما خوشی دل ضیافت دائمی است.
 ۱۶ اموال اندک با ترس خداوند بهتر است از
 گنج عظیم با اضطراب.
 ۱۷ خوان بقول در جایی که محبت باشد،
 بهتر است از گاو پرواری که با آن دشمنی باشد.
 ۱۸ مرد تندخو نزاع را برمی‌انگیزد، اما
 شخص دیرغضب خصومت را ساکن
 می‌گرداند.
 ۱۹ راه کاهلان مثل خار بیست است، اما
 طریق راستان شاهراه است.
 ۲۰ پسر حکیم پدر را شادمان می‌سازد، اما
 مرد احمق مادر خویش را حقیر می‌شمارد.
 ۲۱ حماقت در نظر شخص ناقص العقل
 خوشی است، اما مرد فهیم به راستی سلوک
 می‌نماید.

۱۶ تحصیل حکمت از زر خالص چه بسیار
 بهتر است، و تحصیل فهم از نقره برگزیده تر.
 ۱۷ طریق راستان، اجتناب نمودن از بدی
 است، و هر که راه خود را نگاه دارد جان
 خویش را محافظت می نماید.

۱۸ تکبیر پیش رو هلاکت است، و دل مغرور
 پیش رو خرابی.

۱۹ با تواضع نزد برداران بودن بهتر است، از
 تقسیم نمودن غنیمت با متکبران.

۲۰ هر که در کلام تعقل کند سعادت مندی
 خواهد یافت، و هر که به خداوند توکل نماید
 برکت می گیرد.

۲۱ هر که دل حکیم دارد فهم خوانده

می شود، و شیرینی لبها علم را می افزاید.

۲۲ عقل برای صاحبش چشمه حیات است،
 اما تأدیب احمقان، حماقت است.

۲۳ دل مرد حکیم دهان او را عاقل

می گرداند، و علم را بر لبهایش می افزاید.

۲۴ سخنان پسندیده مثل شان عسل است،

برای جان شیرین است و برای استخوانها شفا
 دهنده.

۲۵ راهی هست که در نظر انسان راست

است، اما عاقبت آن راه، مرگ می باشد.

۲۶ اشتهای کارگر برایش کار می کند، زیرا که
 دهانش او را بر آن تحریض می نماید.

۲۷ مرد لئیم شرارت را می اندیشد، و بر

لبهایش مثل آتش سوزنده است.

۲۸ مرد دروغگو نزاع می باشد، و سخن چین

دوستان خالص را از همدیگر جدا می کند.

۲۹ مرد ظالم همسایه خود را اغوا می نماید،

۲ همه راه های انسان در نظر خودش پاک
 است، اما خداوند روحها را ثابت می سازد.

۳ اعمال خود را به خداوند تفویض کن، تا
 فکرهای تو استوار شود.

۴ خداوند هر چیز را برای غایت آن ساخته
 است، و شیرین را نیز برای روز بلا.

۵ هر که دل مغرور دارد نزد خداوند مکروه
 است، و او هرگز مبرا نخواهد شد.

۶ از رحمت و راستی، گناه کفاره می شود، و
 به ترس خداوند، از بدی اجتناب می شود.

۷ چون راه های شخص پسندیده خداوند
 باشد، دشمنانش را نیز با وی به مصالحه
 می آورد.

۸ اموال اندک که با انصاف باشد بهتر است،
 از دخل فراوان بدون انصاف.

۹ دل انسان در طریقش تفکر می کند، اما
 خداوند قدمهایش را استوار می سازد.

۱۰ وحی بر لبهای پادشاه است، و دهان او در
 داوری تجاوز نمی نماید.

۱۱ ترازو و سنگهای راست از آن خداوند
 است و تمامی سنگهای کیسه صنعت وی

می باشد.

۱۲ عمل بد نزد پادشاهان مکروه است، زیرا
 که کرسی ایشان از عدالت برقرار می ماند.

۱۳ لبهای راستگو پسندیده پادشاهان است،
 و راستگویان را دوست می دارند.

۱۴ غضب پادشاهان، رسولان مرگ است اما
 مرد حکیم آن را فرو می نشاند.

۱۵ در نور چهره پادشاه حیات است، و

رضامندی او مثل ابر نوبهاری است.

می‌باشد، اما هر که امری را تکرار کند دوستان
 خالص را از هم جدا می‌سازد.
 ۱۰ یک ملامت به مرد فهیم اثر می‌کند، بیشتر
 از صد تازیانه به مرد جاهل.
 ۱۱ مرد شیریر طالب فتنه است و بس. بنابراین
 قاصد ستمکیش نزد او فرستاده می‌شود.
 ۱۲ اگر خرسی که بچه‌هایش کشته شود
 به انسان برخورد، بهتر است از مرد احمق
 در حماقت خود.
 ۱۳ کسی که به عوض نیکویی بدی می‌کند
 بلا از خانه او دور نخواهد شد.
 ۱۴ ابتدای نزاع مثل رخنه کردن آب است،
 پس مخاصمه را ترک کن قبل از آنکه به مجادله
 برسد.
 ۱۵ هر که شیریر را عادل شمارد و هر که
 عادل را ملزم سازد، هر دو ایشان نزد خداوند
 مکروهند.
 ۱۶ قیمت به جهت خریدن حکمت چرا به
 دست احمق باشد؟ و حال آنکه هیچ فهم ندارد.
 ۱۷ دوست خالص در همه اوقات محبت
 می‌نماید، و برادر به جهت تنگی مولود شده
 است.
 ۱۸ مرد ناقص العقل دست می‌دهد و در
 حضور همسایه خود ضامن می‌شود.
 ۱۹ هر که معصیت را دوست دارد منازعه را
 دوست می‌دارد، و هر که در خود را بلند سازد
 خرابی را می‌طلبد.
 ۲۰ کسی که دل کج دارد نیکویی را نخواهد
 یافت. و هر که زبان دروغگو دارد در بلا گرفتار
 خواهد شد.

و او را به راه غیر نیکو هدایت می‌کند.
 ۳۰ چشمان خود را بر هم می‌زند تا دروغ را
 اختراع نماید، و لبهایش را تکان می‌دهد و بدی
 را به انجام می‌رساند.
 ۳۱ سفید مویی تاج جمال است، هنگامی که
 در راه عدالت یافت شود.
 ۳۲ کسی که دیر غضب باشد از جبار بهتر
 است، و هر که بر روح خود مالک باشد از
 تسخیرکننده شهر برتر است.
 ۳۳ قرعه در دامن انداخته می‌شود، اما تمامی
 حکم آن از خداوند است.
 ۱۷ لقمه خشک با صلح، بهتر است از
 خانه پر از ضیافت با مخاصمت.
 ۲ بنده عاقل بر پسر پست فطرت مسلط
 خواهد بود، و میراث را با برادران تقسیم
 خواهد نمود.
 ۳ بوته برای نقره و کوره به جهت طلا است،
 اما خداوند امتحان‌کننده دلها است.
 ۴ شیریر به لبهای دروغگو گوش می‌کند، و
 مرد کاذب به زبان فتنه‌انگیز گوش می‌دهد.
 ۵ هر که فقیر را تمسخر کند آفریننده خویش
 را ملامت می‌کند، و هر که از بلا خوش می‌شود
 بی‌سزا نخواهد ماند.
 ۶ تاج پیران، پسران پسرانند، و جلال
 فرزندان، پدران ایشانند.
 ۷ کلام کبرآمیز احمق را نمی‌شاید، و چند
 مرتبه زیاده لبهای دروغگو نجبا را.
 ۸ هدیه در نظر اهل آن سنگ گرانها است
 که هر کجا توجه نماید برخوردار می‌شود.
 ۹ هر که گناهی را مستور کند طالب محبت

- ۲۱ هر که فرزند احمق آورد برای خویشتن غم پیدا می کند، و پدر فرزند ابله شادی نخواهد دید.
- ۲۲ دل شادمان شفای نیکو می بخشد، اما روح شکسته استخوانها را خشک می کند.
- ۲۳ مرد شریر رشوه را از بغل می گیرد، تا راه های انصاف را منحرف سازد.
- ۲۴ حکمت در مدّ نظر مرد فهیم است، اما چشمان احمق در اقصای زمین می باشد.
- ۲۵ پسر احمق برای پدر خویش حزن است، و به جهت مادر خویش تلخی است.
- ۲۶ عادلان را نیز سرزنش نمودن خوب نیست، و نه ضرب زدن به شریفان به سبب راستی ایشان.
- ۲۷ صاحب معرفت سخنان خود را باز می دارد، و هر که روح بردبار دارد مرد فهیم است.
- ۲۸ مرد احمق نیز چون خاموش باشد او را حکیم می شمارند، و هر که لبهای خود را می بندد فهیم است.
- ۱۸ مرد انزوا طلب، هوس خود را طالب می باشد، و به هر حکمت صحیح مجادله می کند.
- ۲ احمق از فهم مسرور نمی شود، مگر تا آنکه عقل خود را ظاهر سازد.
- ۳ هنگامی که شریر می آید، حقارت هم می آید، و با اهان، خجالت می رسد.
- ۴ سخنان دهان انسان آب عمیق است، و چشمه حکمت، نهر جاری است.
- ۵ طرفداری شریران برای منحرف ساختن
- داوری عادلان نیکو نیست.
- ۶ لبهای احمق به منازعه داخل می شود، و دهانش برای ضربها صدا می زند.
- ۷ دهان احمق هلاکت وی است، و لبهایش برای جان خودش دام است.
- ۸ سخنان سخن چین مثل لقمه های شیرین است، و به عمق شکم فرو می رود.
- ۹ او نیز که در کار خود سستی می کند، برادر هلاک کننده است.
- ۱۰ اسم خداوند برج محکم است که مرد عادل در آن می دود و ایمن می باشد.
- ۱۱ توانگری شخص دولتمند شهر محکم او است، و در تصوّر وی مثل حصار بلند است.
- ۱۲ پیش از شکستگی، دل انسان متکبر می گردد، و تواضع مقدمه عزّت است.
- ۱۳ هر که سخنی را قبل از شنیدنش جواب دهد برای وی حماقت و عار می باشد.
- ۱۴ روح انسان بیماری او را متحمل می شود، اما روح شکسته را کیست که متحمل آن بشود.
- ۱۵ دل مرد فهیم معرفت را تحصیل می کند، و گوش حکیمان معرفت را می طلبد.
- ۱۶ هدیه شخص، از برایش وسعت پیدا می کند و او را به حضور بزرگان می رساند.
- ۱۷ هر که در دعوی خود اوّل آید صادق می نماید، اما حریفش می آید و او را می آزماید.
- ۱۸ قرعه نزاعها را ساکت می نماید و زورآوران را از هم جدا می کند.
- ۱۹ برادر رنجیده از شهر قوی سخت تر است، و منازعت با او مثل پشت بندهای قصر است.
- ۲۰ دل آدمی از میوه دهانش پر می شود و از

سعادتمندی خواهد یافت.
 ۹ شاهد دروغگو بی سزا نخواهد ماند، و هر
 که به کذب سخن گوید نماید هلاک خواهد
 گردید.
 ۱۰ عیش و خوشگذرانی احمق را نمی‌شاید،
 تا چه رسد به غلامی که بر شریفان حکمرانی
 می‌کند.
 ۱۱ عقل انسان خشم او را نگاه می‌دارد، و
 گذشتن از تقصیر جلال او است.
 ۱۲ خشم پادشاه مثل غرّش شیر است، و
 رضامندی او مثل شبنم بر گیاه است.
 ۱۳ پسر جاهل باعث الم پدرش است، و
 نزاعهای زن مثل آبی است که دائم در چکیدن
 باشد.
 ۱۴ خانه و دولت ارث اجدادی است، اما زن
 عاقله از جانب خداوند است.
 ۱۵ کاهلی خواب سنگین می‌آورد، و شخص
 سست کار می‌کند، گرسنه خواهد ماند.
 ۱۶ هر که حکم را نگاه دارد جان خویش را
 محافظت می‌نماید، اما هر که طریق خود را
 سبک گیرد، خواهد مرد.
 ۱۷ هر که بر فقیر ترحم نماید به خداوند
 قرض می‌دهد، و احسان او را به او رد خواهد
 نمود.
 ۱۸ پسر خود را تأدیب نما زیرا که امید
 هست، اما خود را به کشتن او وامدار.
 ۱۹ شخص تندخو متحمل عقوبت خواهد
 شد، زیرا اگر او را خلاصی دهی آن را باید
 مکرّر به جا آوری.
 ۲۰ پند را بشنو و تأدیب را قبول نما، تا در

محصول لبه‌ایش، سیر می‌گردد.
 ۲۱ مرگ و حیات در قدرت زبان است،
 و آثانی که آن را دوست می‌دارند میوه‌اش را
 خواهند خورد.
 ۲۲ هر که همسری باید چیز نیکو یافته است،
 و رضامندی خداوند را تحصیل کرده است.
 ۲۳ مرد فقیر به تضرّع تکلم می‌کند، اما
 شخص دولتمند به سختی جواب می‌دهد.
 ۲۴ کسی که دوستان بسیار دارد خویشتن را
 هلاک می‌کند، اما دوستی هست که از برادر
 چسبیده‌تر می‌باشد.
 ۱۹ فقیری که در کاملیت خود سالک
 است، از دروغگویی که احمق باشد
 بهتر است.
 ۲ دلی نیز که معرفت ندارد نیکو نیست و هر
 که به پایهای خویش می‌شتابد گناه می‌کند.
 ۳ حماقت انسان، راه او را کج می‌سازد، و
 دلش از خداوند خشمناک می‌شود.
 ۴ توانگری دوستان بسیار پیدا می‌کند، اما
 فقیر از دوستان خود جدا می‌شود.
 ۵ شاهد دروغگو بی سزا نخواهد ماند، و
 کسی که به دروغ تنطق کند رهایی نخواهد
 یافت.
 ۶ بسیاری پیش امیران تذلل می‌نمایند، و همه
 کس دوست بذل کننده است.
 ۷ جمیع برادران مرد فقیر از او نفرت دارند،
 و چقدر بیشتر دوستانش از او دور می‌شوند، با
 سخنان به دنبالشان می‌رود، و نیستند.
 ۸ هر که حکمت را تحصیل کند جان خود
 را دوست دارد. و هر که فهم را نگاه دارد،

۴ مرد کاهل به سبب زمستان شیار نمی کند، بنابراین در موسم حصاد گدایی می کند و نمی یابد.

۵ مشورت در دل انسان آب عمیق است، اما مرد فهیم آن را می کشد.

۶ بسا کسانند که هر یک احسان خویش را اعلام می کنند، اما مرد امین را کیست که پیدا کند.

۷ مرد عادل که به کاملت خود سلوک نماید، پسرانش بعد از او خجسته خواهند شد.

۸ پادشاهی که بر کرسی داوری نشیند، تمامی بدی را از چشمان خود پراکنده می سازد.

۹ کیست که تواند گوید: «دل خود را طاهر ساختم، و از گناه خویش پاک شدم؟»

۱۰ سنگهای مختلف و پیمانهای مختلف، هر دو آنها نزد خداوند مکروه است.

۱۱ طفل نیز از افعالش شناخته می شود، که آیا اعمالش پاک و راست است یا نه.

۱۲ گوش شنوا و چشم بینا، خداوند هر دو آنها را آفریده است.

۱۳ خواب را دوست مدار مبادا فقیر شوی. چشمان خود را باز کن تا از نان سیر گردی.

۱۴ مشتری می گوید بد است، بد است، اما چون رفت آنگاه فخر می کند.

۱۵ طلا هست و لعلها بسیار، اما لبها معرفت جواهر گرانبها است.

۱۶ جامه آن کس را بگیر که به جهت غریب ضامن است، و او را به رهن بگیر که ضامن بیگانگان است.

۱۷ نان فریب برای انسان لذیذ است، اما بعد

عاقبت خود حکیم بشوی.

۲۱ فکرهای بسیار در دل انسان است، اما آنچه ثابت ماند مشورت خداوند است.

۲۲ زینت انسان احسان او است، و فقیر از دروغگو بهتر است.

۲۳ ترس خداوند به حیات می انجامد، و هر که آن را دارد در سیری ساکن می ماند، و به هیچ بلا گرفتار نخواهد شد.

۲۴ مرد کاهل دست خود را در بغلش پنهان می کند، و آن را هم به دهان خود بر نمی آورد.

۲۵ تمسخرکننده را تأدیب کن تا جاهلان زیرک شوند، و شخص فهیم را تنبیه نما و معرفت را درک خواهد نمود.

۲۶ هر که بر پدر خود ستم کند و مادرش را براند، پسری است که رسوایی و خجالت می آورد.

۲۷ ای پسر من شنیدن تعلیمی را ترک نما که تو را از کلام معرفت گمراه می سازد.

۲۸ شاهد فرومایه انصاف را تمسخر می کند، و دهان شیران گناه را می بلعد.

۲۹ قصاص به جهت تمسخرکنندگان مهیا است، و تازیانه ها برای پشت احمقان.

۲۰ شراب تمسخر می کند و مسکرات عربده می آورد، و هر که به آن فریفته شود حکیم نیست.

۲ هیبت پادشاه مثل غرش شیر است، و هر که خشم او را به هیجان آورد، به جان خود خطا می ورزد.

۳ از نزاع دور شدن برای انسان عزت است، اما هر مرد احمق مجادله می کند.

۲۱

دل پادشاه مثل نهرهای آب در دست
 خداوند است: آن را به هر سو که
 بخواید برمی گرداند.

۲ هر راه انسان در نظر خودش راست است،
 اما خداوند دلها را می آزماید.

۳ عدالت و انصاف را به جا آوردن، نزد
 خداوند از قربانی ها پسندیده تر است.

۴ چشمان بلند و دل متکبر و چراغ شیرین،
 گناه است.

۵ فکرهای مرد زرنگ تماماً به فراوانی
 می انجامد، اما هر که عجزول باشد برای احتیاج
 تعجیل می کند.

۶ تحصیل گنجها به زبان دروغگو، بخاری
 است بر هوا شده برای جویندگان موت.

۷ ظلم شیرین ایشان را به هلاکت می اندازد،
 زیرا که از به جا آوردن انصاف ابا می نمایند.

۸ طریق مردی که زیر بار (گناه) باشد بسیار
 کج است، اما اعمال مرد طاهر، مستقیم است.

۹ در زاویه پشت بام ساکن شدن بهتر است،
 از ساکن بودن با زن ستیزه گر در خانه مشترک.

۱۰ جان شیریر مشتاق شرارت است، و بر
 همسایه خود ترحم نمی کند.

۱۱ چون تمسخرکننده سیاست یابد، جاهلان
 حکمت می آموزند؛ و چون مرد حکیم تربیت
 یابد، معرفت را تحصیل می نماید.

۱۲ مرد عادل در خانه شیریر تأمل می کند که
 چگونه اشرار به تباهی واژگون می شوند.

۱۳ هر که گوش خود را از فریاد فقیر
 می بندد، او نیز فریاد خواهد کرد و مستجاب
 نخواهد شد.

دهانش از سنگ ریزه ها پر خواهد شد.

۱۸ فکرها به مشورت محکم می شود، و با
 حسن تدبیر جنگ نما.

۱۹ کسی که به سخن چینی گردش کند، اسرار
 را فاش می نماید؛ بنابراین با کسی که لبهای
 خود را می گشاید معاشرت منما.

۲۰ هر که پدر و مادر خود را لعنت کند
 چراغش در ظلمت غلیظ خاموش خواهد شد.

۲۱ اموالی که اولاً به تعجیل حاصل می شود،
 عاقبتش مبارک نخواهد شد.

۲۲ مگو که از بدی انتقام خواهی کشید، بلکه
 بر خداوند توکل نما و تو را نجات خواهد داد.

۲۳ سنگهای مختلف نزد خداوند مکروه
 است، و ترازوهای متقلب نیکو نیست.

۲۴ قدمهای انسان از خداوند است، پس مرد
 راه خود را چگونه بفهمد؟

۲۵ شخصی که چیزی را به تعجیل مقدس
 می گوید، و بعد از نذر کردن سوال می کند، در
 دام می افتد.

۲۶ پادشاه حکیم شیریران را پراکنده می سازد
 و چوم را بر ایشان می گرداند.

۲۷ روح انسان، چراغ خداوند است که
 تمامی عمقهای دل را تفتیش می نماید.

۲۸ رحمت و راستی پادشاه را محافظت
 می کند، و کرسی او به رحمت پایدار خواهد
 ماند.

۲۹ جلال جوانان قوت ایشان است، و عزت
 پیران موی سفید.

۳۰ ضربهای سخت از بدی طاهر می کند و
 تازیه ها به عمق دل فرو می رود.

۱۴ هدیه‌ای در خفا خشم را فرو می‌نشانند، و رشوه‌ای در بغل، غضب سخت را.

۱۵ انصاف کردن خرمی عادلان است، اما باعث پریشانی بدکاران می‌باشد.

۱۶ هر که از طریق تعقل گمراه شود، در جماعت مردگان ساکن خواهد گشت.

۱۷ هر که عیش را دوست دارد محتاج خواهد شد، و هر که شراب و روغن را دوست دارد دولت‌مند نخواهد گردید.

۱۸ شیربان فدیۀ عادلان می‌شوند و خیانتکاران به عوض راستان.

۱۹ در زمین بایر ساکن بودن بهتر است از بودن با زن سستیزه‌گر و جنگجوی.

۲۰ در منزل حکیمان خزانۀ مرغوب و روغن است، اما مرد احمق آنها را تلف می‌کند.

۲۱ هر که عدالت و رحمت را متابعت کند، حیات و عدالت و جلال خواهد یافت.

۲۲ مرد حکیم به شهر جباران برخواهد آمد، و قلعهٔ اعتماد ایشان را به زیر می‌اندازد.

۲۳ هر که دهان و زبان خویش را نگاه دارد، جان خود را از تنگیها محافظت می‌نماید.

۲۴ مرد متکبر و مغرور مسمی به تمسخرکننده می‌شود، و به افزونی تکبر عمل می‌کند.

۲۵ شهوت مرد کاهل او را می‌کشد، زیرا که دستهایش از کار کردن ابا می‌نماید.

۲۶ هستند که همه اوقات به شدت حریص می‌باشند، اما مرد عادل عطا می‌کند و دریغ نمی‌نماید.

۲۷ قربانی‌های شیربان مکروه است، پس چند مرتبه زیاد هنگامی که به عوض بدی آنها

را می‌گذرانند.

۲۸ شاهد دروغگو هلاک می‌شود، اما کسی که گوش نماید به راستی تکلم خواهد کرد.

۲۹ مرد شریر روی خود را بی‌حیا می‌سازد، و مرد راست، طریق خویش را مستحکم می‌کند.

۳۰ حکمتی نیست و نه فهمی و نه مشورتی که به ضدّ خداوند به کار آید.

۳۱ اسب برای روز جنگ مهیا است، اما نصرت از جانب خداوند است.

۲۲

نیک نامی از کثرت دولت‌مندی برتر است، و فیض از نقره و طلا بهتر.

۲ دولت‌مند و فقیر با هم ملاقات می‌کنند، آفرینندهٔ هر دو ایشان خداوند است.

۳ مرد زیرک، بلا را می‌بیند و خویشتن را مخفی می‌سازد و جاهلان می‌گذرند و در عقوبت گرفتار می‌شوند.

۴ جزای تواضع و خداترسی، دولت و جلال و حیات است.

۵ خارها و دامها در راه کج‌روان است، اما هر که جان خود را نگاه دارد از آنها دور می‌شود.

۶ طفل را در راهی که باید برود تربیت نما، و چون پیر هم شود از آن انحراف نخواهد ورزید.

۷ توانگر بر فقیر تسلط دارد، و مدیون غلام طلب‌کار می‌باشد.

۸ هر که ظلم بکارد بلا خواهد دروید، و عصای غضبش زایل خواهد شد.

۹ شخصی که نظر او باز باشد، مبارک خواهد بود، زیرا که از نان خود به فقرا می‌دهد.

۱۰ تمسخرکننده را دور نما و نزاع رفع

خواهد نمود، و جان تاراج کنندگان ایشان را به تاراج خواهد داد.

۲۴ با مرد تندخو معاشرت مکن، و با شخص کج خلق همراه مباش،

۲۵ مبادا راه‌های او را آموخته شوی و جان خود را در دام گرفتار سازی.

۲۶ از جمله آنانی که دست می‌دهند مباش و نه از آنانی که برای قرضها ضامن می‌شوند.

۲۷ اگر چیزی نداری که ادا نمایی پس چرا بستر تو را از زیرت بردارد.

۲۸ حد قدیمی را که پدرانت قرار داده‌اند منتقل مساز.

۲۹ آیا مردی را که در شغل خویش ماهر باشد می‌بینی؟ او در حضور پادشاهان خواهد ایستاد، پیش پست فطرتان نخواهد ایستاد.

۲۳ چون با حاکم به غذا خوردن نشینی، در آنچه پیش روی تو است تأمل نما.

۲ و اگر مرد پرخور هستی، کارد بر گلوی خود بگذار.

۳ به خوراکیهای لطیف او حریص مباش، زیرا که غذای فریبنده است.

۴ برای دولتمند شدن خود را زحمت مرسان و از عقل خود باز ایست.

۵ آیا چشمان خود را بر آن خواهی دوخت که نیست می‌باشد؟ زیرا که دولت البته برای خود

بالحا می‌سازد، و مثل عقاب در آسمان می‌پرد. ۶ نان مرد تنگ نظر را مخور، و به جهت خوراکیهای لطیف او حریص مباش.

۷ زیرا چنانکه در دل خود فکر می‌کند خود او

خواهد شد، و مجادله و خجالت ساکت خواهد گردید.

۱۱ هر که طهارت دل را دوست دارد و لبهای ظریف دارد، پادشاه دوست او می‌باشد.

۱۲ چشمان خداوند معرفت را نگاه می‌دارد و سخنان خیانتکاران را باطل می‌سازد.

۱۳ مرد کاهل می‌گوید شیر بیرون است، و در کوچها کشته می‌شوم.

۱۴ دهان زنان بیگانه چاه عمیق است، و هر که مغضوب خداوند باشد، در آن خواهد افتاد.

۱۵ حماقت در دل طفل بسته شده است، اما چوب تأدیب آن را از او دور خواهد کرد.

۱۶ هر که بر فقیر برای فایده خویش ظلم نماید، و هر که به دولتمندان ببخشد البته محتاج خواهد شد.

کلام حکما

۱۷ گوش خود را فرا داشته، کلام حکما را بشنو، و دل خود را به تعلیم من مایل گردان،

۱۸ زیرا پسندیده است که آنها را در دل خود نگاه داری، و بر لبهایت جمیعاً ثابت ماند؛

۱۹ تا اعتماد تو بر خداوند باشد. امروز تو را تعلیم دادم.

۲۰ آیا امور شریف را برای تو نوشتم؟ شامل بر مشورت معرفت؛

۲۱ تا قانون کلام راستی را اعلام نمایم، و تو کلام راستی را نزد فرستندگان خود پس ببری؟

۲۲ فقیر را از آن جهت که ذلیل است تاراج منما، و مسکین را در دربار، ستم مرسان،

۲۳ زیرا خداوند دعوی ایشان را فیصل

- همچنان است. تو را می‌گوید: بخور و بنوش،
اما دلش با تو نیست.
- ۸ لقمه‌ای را که خورده‌ای قی خواهی کرد، و سخنان شیرین خود را بر باد خواهی داد.
- ۹ به گوش احمق سخن مگو، زیرا حکمت کلامت را خوار خواهد شمرد.
- ۱۰ حدّ قدیم را منتقل مساز، و به مزرعهٔ یتیمان داخل مشو،
- ۱۱ زیرا که ولی ایشان زورآور است، و با تو در دعوی ایشان مقاومت خواهد کرد.
- ۱۲ دل خود را به ادب مایل گردان، و گوش خود را به کلام معرفت.
- ۱۳ از طفل خود تأدیب را باز مدار که اگر او را با چوب بزنی نخواهد مرد؛
- ۱۴ پس او را با چوب بز، و جان او را از هابویه نجات خواهی داد.
- ۱۵ ای پسر من اگر دل تو حکیم باشد، دل من (بلی دل) من شادمان خواهد شد؛
- ۱۶ و اندرونم وجد خواهد نمود، هنگامی که لبهای تو به راستی متکلم شود.
- ۱۷ دل تو به جهت گناهکاران غیور نباشد، اما به جهت ترس خداوند تمامی روز غیور باش،
- ۱۸ زیرا که البته آخرت هست، و امید تو منقطع نخواهد شد.
- ۱۹ پس تو ای پسر من بشنو و حکیم باش، و دل خود را در طریق مستقیم گردان.
- ۲۰ از زمرهٔ می‌گساران مباح، و از آنانی که بدنهای خود را تلف می‌کنند.
- ۲۱ زیرا که می‌گسار و مُسرف، فقیر می‌شود و صاحب خواب به خرقه‌ها ملبّس خواهد شد.
- ۲۲ پدر خویش را که تو را تولید نمود گوش گیر، و مادر خود را چون پیر شود خوار بشمار.
- ۲۳ راستی را بخر و آن را مفروش، و حکمت و ادب و فهم را.
- ۲۴ پدر فرزند عادل به غایت شادمان می‌شود، و والد پسر حکیم از او مسرور خواهد گشت.
- ۲۵ پدرت و مادرت شادمان خواهند شد، و والدۀ تو مسرور خواهد گردید.
- ۲۶ ای پسر من دل خود را به من بده، و چشمان تو به راه‌های من شاد باشد؛
- ۲۷ چونکه زن زانیه حفره‌ای عمیق است، و زن بیگانه چاه تنگ.
- ۲۸ او نیز مثل راهزن در کمین می‌باشد، و خیانتکاران را در میان مردم می‌افزاید.
- ۲۹ وای از آن کیست و شقاوت از آن که، و نزاعها از آن کدام، و زاری از آن کیست و جراحت‌های بی‌سبب از آن که، و سرخی چشمان از آن کدام؟
- ۳۰ آنانی را است که شرب مدام می‌نمایند، و برای چشیدن شراب ممزوج داخل می‌شوند.
- ۳۱ به شراب نگاه مکن وقتی که سرخ فام است، حینی که حبابهای خود را در جام ظاهر می‌سازد، و به ملایمت فرو می‌رود؛
- ۳۲ اما در آخر مثل مار خواهد گزید، و مانند افعی نیش خواهد زد.
- ۳۳ چشمان تو چیزهای غریب را خواهد دید، و دل تو به چیزهای کج تنطق خواهد نمود،

کوتاهی منما.

۱۲ اگر گویی که این را ندانستیم، آیا آزمایشه
دلها نمی فهمد؟ و حافظ جان تو نمی داند؟ و
به هر کس برحسب اعمالش مکافات نخواهد
داد؟

۱۳ ای پسر من غسل را بخور زیرا که خوب
است، و شان غسل را چونکه به کامت شیرین
است.

۱۴ همچنین حکمت را برای جان خود
بیاموز، اگر آن را بیابی آنگاه اجرت خواهد بود،
و امید تو منقطع نخواهد شد.

۱۵ ای شیریر، برای منزل مرد عادل در کمین
مباش، و آرامگاه او را خراب مکن،
۱۶ زیرا مرد عادل اگر چه هفت مرتبه بیفتد
خواهد برخاست، اما شیریران در بلا خواهند
افتاد.

۱۷ چون دشمنت بیفتد شادی مکن، و چون
بلغزد دلت وجد نماید،

۱۸ مبادا خداوند این را ببیند و در نظرش
ناپسند آید، و غضب خود را از او برگرداند.

۱۹ خویشان را به سبب بدکاران رنجیده
مساز، و بر شیریران حسد مبر،

۲۰ زیرا که به جهت بدکاران اجر نخواهد بود،
و چراغ شیریران خاموش خواهد گردید.

۲۱ ای پسر من از خداوند و پادشاه بترس، و
با مفسدان معاشرت منما،

۲۲ زیرا که مصیبت ایشان ناگهان خواهد
برخاست، و عاقبت سالهای ایشان را کیست

که بدانند؟

۳۴ و مثل کسی که در میان دریا می خوابد
خواهی شد، یا مانند کسی که بر سر دکل کشتی
می خوابد؛

۳۵ و خواهی گفت: مرا زدند اما درد را
احساس نکردم، مرا زجر دادند اما نفهمیدم.
پس کی بیدار خواهیم شد تا جرئه ای دیگر
بطلبم.

۲۴ بر مردان شریر حسد مبر، و آرزو
مدار تا با ایشان معاشرت نمای،

۲ زیرا که دل ایشان در ظلم تفکر می کند و
لبهای ایشان درباره مشقت تکلم می نماید.

۳ خانه به حکمت بنا می شود، و با فهم
استوار می گردد،

۴ و به معرفت اطاقها پر می شود، از هر گونه
اموال گرانها و نفایس.

۵ مرد حکیم در قدرت می ماند، و صاحب
معرفت در توانایی ترقی می کند،

۶ زیرا که با حسن تدبیر باید جنگ بکنی، و از
کثرت مشورت دهندگان نصرت است.

۷ حکمت برای احمق زیاده بلند است، دهان
خود را در دربار باز نمی کند.

۸ هر که برای بدی تفکر می کند، او را
فته انگیز می گویند.

۹ فکر احمقان گناه است، و تمسخرکننده
نزد آدمیان مکروه است.

۱۰ اگر در روز تنگی سستی نمایی، قوت تو
تنگ می شود.

۱۱ آنانی را که برای مرگ برده شوند خلاص
کن، و از رهانیدن آنانی که برای قتل مهیاند

سایر امثال سلیمان

اینها نیز از امثال سلیمان است که
مردان حزقیّا، پادشاه یهودا آنها را
نقل نمودند.

- ۲ مخفی داشتن امر جلال خدا است، و
تفحص نمودن امر جلال پادشاهان است.
۳ آسمان را در بلندی اش و زمین را در
عمقش، و دل پادشاهان را تفتیش نتوان نمود.
۴ تفاله را از نقره دور کن، تا ظرفی برای
زرگر بیرون آید.
۵ شیریان را از حضور پادشاه دور کن، تا
کرسی او در عدالت پایدار بماند.
۶ در حضور پادشاه خویشتن را برمیفرز، و
در جای بزرگان مایست،
۷ زیرا بهتر است تو را گفته شود که اینجا بالا
بیا، از آنکه به حضور سروری که چشمانت او
را دیده است تو را پایین برند.
۸ برای نزاع به تعجیل بیرون مرو، مبادا در
آخرش چون همسایهات تو را خجل سازد،
ندانی که چه باید کرد.
۹ دعوی خود را با همسایهات بکن، اما راز
دیگری را فاش مساز؛
۱۰ مبادا هر که بشنود تو را ملامت کند، و
بدنامی تو رفع نشود.
۱۱ سخنی که در محلّش گفته شود، مثل
سیبهای طلا در مرصعکاری نقره است.
۱۲ مودب حکیم برای گوش شنوا، مثل حلقه
طلا و زیور زر خالص است.
۱۳ رسول امین برای فرستندگان خود، چون
خنکی یخ در موسم حصاد می باشد، زیرا که

بقیه سخنان حکیمان

- ۲۳ اینها نیز از (سخنان) حکیمان است
طرفداری در داوری نیکو نیست.
۲۴ کسی که به شریر بگوید تو عادل هستی،
اقتها او را لعنت خواهند کرد و طوایف از او
نفرت خواهند نمود.
۲۵ اما برای آنانی که او را تویخ نمایند
شادمانی خواهد بود، و برکت نیکو به ایشان
خواهد رسید.
۲۶ آنکه به کلام راست جواب گوید، لبها را
می بوسد.
۲۷ کار خود را در خارج آراسته کن، و آن را
در ملک مهیا ساز، و بعد از آن خانه خویش را
بنا نما.
۲۸ بر همسایه خود بی جهت شهادت مده، و
با لبهای خود فریب مده؛
۲۹ و مگو به طوری که او به من عمل کرد من
نیز با وی عمل خواهم نمود، و مرد را بر حسب
اعمالش پاداش خواهم داد.
۳۰ از مزرعه مرد کاهل، و از تاکستان
شخص ناقص العقل گذشتم.
۳۱ و اینک بر تمامی آن خاها می روید، و
خس تمامی روی آن را می پوشانید، و دیوار
سنگیش خراب شده بود.
۳۲ پس من نگریسته متفکر شدم، ملاحظه
کردم و ادب آموختم.
۳۳ اندکی خفت و اندکی خواب، و اندکی
برهم نهادن دستها به جهت خواب.
۳۴ پس فقر تو مثل راهزن بر تو خواهد آمد،
و نیازمندی تو مانند مرد مسلح.

۲۷ زیاد غسل خوردن خوب نیست، همچنان طلبیدن جلال خود جلال نیست.

۲۸ کسی که بر روح خود تسلط ندارد، مثل شهر منهدم و بی حصار است.

چنانکه برف در تابستان و باران در حصاد، همچنین حرمت برای احمق شایسته نیست.

۲۶

۲ لعنت، بی سبب نمی آید، چنانکه گنجشک در طیران و پرستوک در پریدن.

۳ شلاق به جهت اسب و لگام برای الاغ، و چوب از برای پشت احمقان است.

۴ احمق را موافق حماقتش جواب مده، مبادا تو نیز مانند او بشوی.

۵ احمق را موافق حماقتش جواب بده، مبادا خویشتن را حکیم بشمارد.

۶ هر که پیغامی به دست احمق بفرستد، پایهای خود را می بُرد و ضرر خود را می نوشد.

۷ ساقهای شخص لنگ بی تمکین است، و مثلی که از دهان احمق برآید همچنان است.

۸ هر که احمق را حرمت کند، مثل کیسه جواهر در توده سنگها است.

۹ مثلی که از دهان احمق برآید، مثل خاری است که در دست شخص مست رفته باشد.

۱۰ تیرانداز همه را مجروح می کند، همچنان است هر که احمق را به مزد گیرد و خطاکاران را اجیر نماید.

۱۱ چنانکه سگ به قی خود برمی گردد، همچنان احمق حماقت خود را تکرار می کند.

۱۲ آیا شخصی را می بینی که در نظر خود حکیم است؟ امید داشتن بر احمق از امید بر او

جان آفایان خود را تازه می کند.

۱۴ کسی که از بخششهای فریبنده خود فخر می کند، مثل ابرها و باد بی باران است.

۱۵ با تحمل داور را به رأی خود توان آورد، و زبان ملایم، استخوان را می شکند.

۱۶ اگر غسل یافتی به قدر کفایت بخور، مبادا از آن پر شده، قی کنی.

۱۷ پای خود را از زیاد رفتن به خانه همسایهات باز دار، مبادا از تو سیر شده، از تو نفرت نماید.

۱۸ کسی که درباره همسایه خود شهادت دروغ دهد، مثل تبرزین و شمشیر و تیر تیز است.

۱۹ اعتماد بر خیانتکار در روز تنگی، مثل دندان کرم زده و پای مرتعش می باشد.

۲۰ سرآیدن سرودها برای دلتنگ، مثل کندن جامه در وقت سرما و ریختن سرکه بر شوره است.

۲۱ اگر دشمن تو گرسنه باشد او را نان بخوران، و اگر تشنه باشد او را آب بنوشان،

۲۲ زیرا اخگرها بر سرش خواهی انباشت، و خداوند تو را پاداش خواهد داد.

۲۳ چنانکه باد شمال باران می آورد، همچنان زبان غیبگو چهره را خشمناک می سازد.

۲۴ ساکن بودن در گوشه پشت بام بهتر است از بودن با زن جنگجو در خانه مشترک.

۲۵ خبر خوش از ولایت دور، مثل آب سرد برای جان تشنه است.

۲۶ مرد عادل که پیش شریخ خم شود، مثل چشمه گل آلود و منبع فاسد است.

اما خباثت او در میان جماعت ظاهر خواهد گشت.

۲۷ هر که حفره‌ای بکند در آن خواهد افتاد، و

هر که سنگی بغلطاند بر او خواهد برگشت.

۲۸ زبان دروغگو از مجروح شدگان خود

نفرت دارد، و دهان چاپلوس هلاکت را ایجاد می‌کند.

درباره فردا فخر منما، زیرا نمی‌دانی

که روز چه خواهد یابید.

۲ دیگری تو را بستاید و نه دهان خودت؛

غریبی و نه لبهای تو.

۳ سنگ سنگین است و ریگ ثقیل، اما خشم

احمق از هر دو آنها سنگینتر است.

۴ غضب ستم‌کیش است و خشم سیل؛ اما

کیست که در برابر حسد تواند ایستاد؟

۵ تنبیه آشکار از محبت پنهان بهتر است.

۶ جراحات دوست و فادار است، اما

بوسه‌های دشمن افراط است.

۷ شکم سیر از شان غسل کراهت دارد، اما

برای شکم گرسنه هر تلخی شیرین است.

۸ کسی که از مکان خود آواره بشود، مثل

گنجشکی است که از آشیانه‌اش آواره گردد.

۹ روغن و عطر دل را شاد می‌کند، همچنان

شیرینی دوست از مشورت دل.

۱۰ دوست خود و دوست پدرت را ترک

منما، و در روز مصیبت خود به خانه برادرت

داخل مشو، زیرا که همسایه نزدیک از برادر دور

بهتر است.

۱۱ ای پسر من حکمت بیاموز و دل مرا شاد

کن، تا ملامت کنندگان خود را مجاب سازم.

بیشتر است.

۱۳ کاهل می‌گوید که شیر در راه است، و

اسد در میان کوجه‌ها است.

۱۴ چنانکه در بر پاشنه‌اش می‌گردد، همچنان

کاهل بر بستر خویش.

۱۵ کاهل دست خود را در قاب فرو می‌برد و

از برآوردن آن به دهانش خسته می‌شود.

۱۶ کاهل در نظر خود حکیم‌تر است از هفت

مرد که جواب عاقلانه می‌دهند.

۱۷ کسی که برود و در نزاعی که به او تعلق

ندارد متعرض شود، مثل کسی است که

گوشهای سگ را بگیرد.

۱۸ آدم دیوانه‌ای که مشعلها و تیرها و مرگ

را می‌اندازد،

۱۹ مثل کسی است که همسایه خود را فریب

دهد، و می‌گوید آیا شوخی نمی‌کردم؟

۲۰ از نبودن هیزم آتش خاموش می‌شود، و از

نبودن نمام منازعه ساکت می‌گردد.

۲۱ زغال برای اخگرها و هیزم برای آتش

است، و مرد فتنه‌انگیز به جهت برانگیختن

نزاع.

۲۲ سخنان نمام مثل خوراک لذیذ است، که

به عمق‌های دل فرو می‌رود.

۲۳ لبهای پر محبت با دل شیرین، مثل نقره‌ای

پُر دَرْد است که بر ظرف سفالین اندوده شود.

۲۴ هر که بغض دارد با لبهای خود نیزنگ

می‌نماید، و در دل خود فریب را ذخیره می‌کند.

۲۵ هنگامی که سخن نیکو گوید، او را باور

مکن زیرا که در قلبش هفت چیز مکروه است.

۲۶ هر چند بغض او به حيله مخفی شود،

۲۴ زیرا که دولت دائمی نیست، و تاج هم
نسلاً بعد نسل (پایدار) نی.
۲۵ علف را می‌بُرند و گیاه سبز می‌روید، و
علوفهٔ کوه‌ها جمع می‌شود،
۲۶ بره‌ها برای لباس تو، و بزها به جهت
اجارهٔ زمین به کار می‌آیند،
۲۷ و شیر بزها برای خوراک تو و خوراک
خاندانت، و معیشت کنیزانت کفایت خواهد
کرد.
۲۸ شیران می‌گریزند جایی که تعاقب
کننده‌ای نیست، اما عادلان مثل
شیر شجاعند.
۲ از معصیت اهل زمین حاکمانش بسیار
می‌شوند، اما مرد فهیم و دانا استقامتش برقرار
خواهد ماند.
۳ مرد رئیس که بر مسکینان ظلم می‌کند،
مثل باران است که سیلان کرده، خوراک باقی
نگذارد.
۴ هر که شریعت را ترک می‌کند، شیران
را می‌ستاید، اما هر که شریعت را نگاه دارد از
ایشان نفرت دارد.
۵ مردمان شیرین انصاف را درک نمی‌نمایند،
اما طالبان خداوند همه چیز را می‌فهمند.
۶ فقیری که در کمالیت خود سلوک نماید،
بهرتر است از کج روندهٔ دو راه اگر چه دولتمند
باشد.
۷ هر که شریعت را نگاه دارد پسری حکیم
است، اما همشین اسراف کنندگان، پدر
خویش را رسوا می‌سازد.
۸ هر که مال خود را به ربا و سود بیفزاید، آن

۱۲ مرد زیرک، بلا را می‌بیند و خویشتن را
مخفی می‌سازد؛ اما جاهلان می‌گذرند و در
عقوبت گرفتار می‌شوند.
۱۳ جامهٔ آن کس را بگیر که به جهت غریب
ضامن است؛ و او را به رهن بگیر که ضامن
بیگانگان است.
۱۴ کسی که صبح زود برخاسته، دوست
خود را به آواز بلند برکت دهد، از برایش لعنت
محسوب می‌شود.
۱۵ چکیدن دائمی آب در روز باران، و زن
ستیزه‌جو مشابه‌اند.
۱۶ هر که او را باز دارد مثل کسی است که
باد را نگاه دارد، یا روغن را که در دست راست
خود گرفته باشد.
۱۷ آهن، آهن را تیز می‌کند، همچنین مرد
روی دوست خود را تیز می‌سازد.
۱۸ هر که درخت انجیر را نگاه دارد میوه‌اش
را خواهد خورد، و هر که آقای خود را همراهی
نماید محترم خواهد شد.
۱۹ چنانکه در آب صورت به صورت است،
همچنان دل انسان به انسان.
۲۰ هاویه و آبدون سیر نمی‌شوند، همچنان
چشمان انسان سیر نخواهند شد.
۲۱ بوته برای نقره و کوره به جهت طلاست،
همچنان انسان از دهان ستایش کنندگان خود
(آزموده می‌شود).
۲۲ احمق را میان بلغور در هاون با دسته
بکوب، و حماقتش از آن بیرون نخواهد رفت.
۲۳ به حالت گلهٔ خود نیکو توجه نما، و دل
خود را به رمهٔ خود مشغول ساز،

را برای کسی که بر فقیران ترحم نماید، جمع می‌نماید.

۹ هر که گوش خود را از شنیدن شریعت برگرداند، دعای او هم مکروه می‌شود.

۱۰ هر که راستان را به راه بد گمراه کند به حفرهٔ خود خواهد افتاد، اما صالحان نصیب نیکو خواهند یافت.

۱۱ مرد دولت‌مند در نظر خود حکیم است، اما فقیر خردمند او را تفتیش خواهد نمود.

۱۲ چون عادلان شادمان شوند، فخر عظیم است؛ اما چون شریران برافراشته شوند، مردمان خود را مخفی می‌سازند.

۱۳ هر که گناه خود را بپوشاند، برخوردار نخواهد شد؛ اما هر که آن را اعتراف کند و ترک نماید رحمت خواهد یافت.

۱۴ برکت می‌گیرد کسی که دائماً می‌ترسد، اما هر که دل خود را سخت سازد به بلا گرفتار خواهد شد.

۱۵ حاکم شریر بر قوم مسکین، مثل شیر غرنده و خرس گردنده است.

۱۶ حاکم ناقص العقل بسیار ظلم می‌کند، اما هر که از رشوه نفرت کند عمر خود را دراز خواهد ساخت.

۱۷ کسی که متحمل بار خون شخصی شود، به هاویه می‌شتابد. زنهاری کسی او را باز ندارد.

۱۸ هر که به استقامت سلوک نماید، رستگار خواهد شد؛ اما هر که در دوراه کج‌رو باشد در یکی از آنها خواهد افتاد.

۱۹ هر که زمین خود را زرع نماید از نان سیر خواهد شد، اما هر که پیروی باطلان کند از فقر

سیر خواهد شد.

۲۰ مرد امین برکت بسیار خواهد یافت، اما آنکه در پی دولت می‌شتابد بی‌سزا نخواهد ماند.

۲۱ طرفداری نیکو نیست، و به جهت لقمه‌های نان، آدمی خطاکار می‌شود.

۲۲ مرد تنگ‌نظر در پی دولت می‌شتابد و نمی‌داند که نیازمندی او را درخواهد یافت.

۲۳ کسی که آدمی را تنبیه نماید، آخرش شکر خواهد یافت، بیشتر از آنکه به زبان خود چاپلوسی می‌کند.

۲۴ کسی که پدر و مادر خود را غارت نماید و گوید گناه نیست، مصاحب هلاک‌کنندگان خواهد شد.

۲۵ مرد حریص نزاع را برمی‌انگیزاند، اما هر که بر خداوند توکل نماید قوی خواهد شد.

۲۶ آنکه بر دل خود توکل نماید احمق می‌باشد، اما کسی که به حکمت سلوک نماید نجات خواهد یافت.

۲۷ هر که به فقرا بذل نماید محتاج نخواهد شد، اما آنکه چشمان خود را بپوشاند لعنت بسیار خواهد یافت.

۲۸ وقتی که شریران برافراشته شوند، مردم خویشتن را پنهان می‌کنند، اما چون ایشان هلاک شوند عادلان افزوده خواهند شد.

کسی که بعد از تنبیه بسیار گردنکشی می‌کند، ناگهان منکسر خواهد شد و علاجی نخواهد بود.

۲۹

۲ چون عادلان افزوده گردند قوم شادی می‌کنند، اما چون شریران تسلط یابند مردم ناله

می‌نمایند.

۳ کسی که حکمت را دوست دارد، پدر خویش را مسرور می‌سازد؛ اما کسی که با فاحشه‌ها معاشرت کند اموال را تلف می‌نماید.

۴ پادشاه ولایت را به انصاف پایدار می‌کند، اما مرد رشوه‌خوار آن را ویران می‌سازد.

۵ شخصی که همسایه خود را چاپلوسی می‌کند، دام برای پایبایش می‌گستراند.

۶ در معصیت مرد شیربر دامی است، اما عادل ترّتم و شادی خواهد نمود.

۷ مرد عادل دعوی فقیر را درک می‌کند، اما شریر برای دانستن آن فهم ندارد.

۸ تمسخرکنندگان شهر را به آشوب می‌آورند، اما حکیمان خشم را فرو می‌نشانند.

۹ اگر مرد حکیم با احمق دعوی دارد، خواه غضبناک شود خواه بخندد، او را راحت نخواهد بود.

۱۰ مردان خون‌ریز از مرد کامل نفرت دارند، اما راستان صلح جان او را طالبند.

۱۱ احمق تمامی خشم خود را ظاهر می‌سازد، اما مرد حکیم به تأخیر آن را فرومی‌نشانند.

۱۲ حاکمی که به سخنان دروغ گوش گیرد، جمیع خادمانش شریر خواهند شد.

۱۳ فقیر و ظالم با هم جمع خواهند شد، و خداوند چشمان هر دو ایشان را روشن خواهد ساخت.

۱۴ پادشاهی که مسکینان را به راستی داوری نماید، کرسی وی تا به ابد پایدار خواهد ماند.

۱۵ چوب و تنبیه، حکمت می‌بخشد، اما

پسری که بی‌لگام باشد، مادر خود را خجل خواهد ساخت.

۱۶ چون شیران افزوده شوند تقصیر زیاده می‌گردد، اما عادلان، افتادن ایشان را خواهند دید.

۱۷ پسر خود را تأدیب نما که تو را راحت خواهد رسانید، و به جان تو لذّت خواهد بخشید.

۱۸ جایی که رؤیا نیست قوم گردن‌کش می‌شوند، اما برکت می‌گیرد کسی که شریعت را نگاه می‌دارد.

۱۹ خادم، محض سخن متبته نمی‌شود، زیرا اگر چه بفهمد اجابت نمی‌نماید.

۲۰ آیا کسی را می‌بینی که در سخن گفتن عجول است؟ امید بر احمق زیاده است از امید بر او.

۲۱ هر که خادم خود را از طفولیت به ناز می‌پرورد، آخر پسر او خواهد شد.

۲۲ مرد تندخو نزاع برمی‌انگیزاند، و شخص کج‌خلق در تقصیر می‌افزاید.

۲۳ تکبر شخص او را پست می‌کند، اما مرد بردبار دل، به جلال خواهد رسید.

۲۴ هر که با دزد معاشرت کند، خویشترن را دشمن دارد، زیرا که لعنت می‌شوند و اعتراف نمی‌نمایند.

۲۵ ترس از انسان دام می‌گستراند، اما هر که بر خداوند توکل نماید سرفراز خواهد شد.

۲۶ بسیاری لطف حاکم را می‌طلبند، اما داوری انسان از جانب خداوند است.

۲۷ مرد ظالم نزد عادلان مکروه است، و هر

که در طریق، مستقیم است نزد شریران مکروه می‌باشد.

کلمات آکور

کلمات و پیغام آکور بن یاقه. وحی آن مرد به ایتیئیل یعنی به ایتیئیل و آکال.

۲ یقیناً من از هر آدمی وحشی‌تر هستم، و فهم انسان را ندارم.

۳ من حکمت را نیاموخته‌ام و معرفت قدّوس را ندانسته‌ام.

۴ کیست که به آسمان صعود نمود و از آنجا نزول کرد؟ کیست که باد را در مشت خود جمع نمود؟ و کیست که آب را در جامه بند نمود؟ کیست که تمامی اقصای زمین را استوار ساخت؟ نام او چیست و پسر او چه اسم دارد؟ بگو اگر اطلاع داری.

۵ تمامی کلمات خدا تصفیه کننده است. او به جهت متوکّلان خود سپر است.
۶ به سخنان او چیزی میفزاید، مبادا تو را توبیخ نماید و تکذیب شوی.

۷ دو چیز از تو درخواست نمودم، آنها را قبل از آنکه بمیرم از من بازمدار:

۸ بطالت و دروغ را از من دور کن، مرا نه فقر ده و نه دولت. به خوراک‌ی که نصیب من باشد مرا بیور،

۹ مبادا سیر شده، تو را انکار نمایم و بگویم که خداوند کیست. و مبادا فقیر شده، دزدی نمایم، و اسم خدای خود را به باطل برم.

۱۰ بنده را نزد آقایش متهم مساز، مبادا تو را

لعنت کند و مجرم شوی.

۱۱ گروهی می‌باشند که پدر خود را لعنت می‌نمایند، و مادر خویش را برکت نمی‌دهند.

۱۲ گروهی می‌باشند که در نظر خود پاک‌اند، اما از نجاست خود غسل نیافته‌اند.

۱۳ گروهی می‌باشند که چشمانشان چه قدر بلند است، و مژگانشان چه قدر برافراشته.

۱۴ گروهی می‌باشند که دندانهایشان شمشیرها است، و دندانهای آسیای ایشان کاردها تا فقیران را از روی زمین و مسکینان را از میان مردمان بخورند.

۱۵ زالورا دو دختر است که بده بده می‌گویند. سه چیز است که سیر نمی‌شود، بلکه چهار چیز که نمی‌گوید که کافی است:

۱۶ هاویه و رحم نازاد، و زمینی که از آب سیر نمی‌شود، و آتش که نمی‌گوید که کافی است.

۱۷ چشمی که پدر را تمسخر می‌کند و اطاعت مادر را خوار می‌شمارد، غرابهای وادی آن را خواهند کند و بچه‌های عقاب آن را خواهند خورد.

۱۸ سه چیز است که برای من زیاده عجیب است، بلکه چهار چیز که آنها را نتوانم فهمید:

۱۹ طریق عقاب در هوا و طریق مار بر صخره، و راه کشتی در میان دریا و راه مرد با دختر باکره.

۲۰ همچنان است طریق زن زانیه؛ می‌خورد و دهان خود را پاک می‌کند و می‌گوید گناه نکردم.

۲۱ به سبب سه چیز زمین متزلزل می‌شود، و به سبب چهار که آنها را تحمّل نتواند کرد:

۲ چه گویم ای پسر من، چه گویم ای پسر
رحم من! و چه گویم ای پسر نذرهای من!
۳ قوت خود را به زنان مده، و نه طریق‌های
خویش را به آنچه باعث هلاکت پادشاهان
است.

۴ پادشاهان را نمی‌شاید ای لموئیل،
پادشاهان را نمی‌شاید که شراب بنوشند، و نه
امیران را که مسکرات را بخواهند.

۵ مبادا بنوشند و فرایض را فراموش کنند، و
داوری جمیع ذلیلان را منحرف سازند.

۶ مسکرات را به آنانی که مشرف به هلاکتند
بده و شراب را به تلخ‌جانان،

۷ تا بنوشند و فقر خود را فراموش کنند، و
مشقت خویش را دیگر به یاد نیاورند.

۸ دهان خود را برای گنگان باز کن، و برای
دادرسی جمیع بیچارگان.

۹ دهان خود را باز کرده، به انصاف داوری
نما، و فقیر و مسکین را دادرسی فرما.

۱۰ زن صالحه را کیست که پیدا تواند کرد؟
قیمت او از لعلها گرانتر است.

۱۱ دل شوهرش بر او اعتماد دارد، و محتاج
منفعت نخواهد بود.

۱۲ برایش تمامی روزهای عمر خود، خوبی
خواهد کرد و نه بدی.

۱۳ پشم و کتان را می‌جوید. و به دستهای
خود با رغبت کار می‌کند.

۱۴ او مثل کشتیهای تجار است، که خوراک
خود را از دور می‌آورد.

۱۵ وقتی که هنوز شب است برمی‌خیزد، و به
اهل خانه‌اش خوراک و به کنیزانش سهم ایشان

۲۲ به سبب غلامی که سلطنت می‌کند، و
احمقی که از غذا سیر شده باشد،

۲۳ به سبب زن مکروهه چون منکوحه شود،
و کنیز وقتی که وارث خاتون خود گردد.

۲۴ چهار چیز است که در زمین بسیار
کوچک است، اما بسیار حکیم می‌باشد:

۲۵ مورچه‌ها طایفه بی‌قوتند، اما خوراک
خود را در تابستان ذخیره می‌کنند؛

۲۶ ونکها طایفه ناتوانند، اما خانه‌های خود
را در صخره می‌گذارند.

۲۷ ملخها را پادشاهی نیست، اما جمیع آنها
دسته دسته بیرون می‌روند.

۲۸ مارمولکها را به دستهای خود می‌گیرند و
در قصرهای پادشاهان می‌باشند.

۲۹ سه چیز است که خوش خرام است، بلکه
چهار چیز که خوش قدم می‌باشد:

۳۰ شیر که در میان حیوانات تواناتر است، و
از هیچکدام روگردان نیست؛

۳۱ تازی و بز نر، و پادشاه که با او مقاومت
نتوان کرد.

۳۲ اگر از روی حماقت خویشتن را
برافراشته‌ای و اگر بد اندیشیده‌ای، پس دست
بر دهان خود بگذار؛

۳۳ زیرا چنانکه از فشردن شیر، پنیر بیرون
می‌آید، و از فشردن بینی، خون بیرون می‌آید،
همچنان از فشردن غضب نزاع بیرون می‌آید.

کلام لموئیل پادشاه

کلام لموئیل پادشاه، پیغامی که
مادرش به او تعلیم داد.

- ۲۳ شوهرش در دربارها معروف می‌باشد، و در میان مشایخ ولایت می‌نشیند.
- ۲۴ جامه‌های کتان ساخته آنها را می‌فروشد، و کمربندها به تاجران می‌دهد.
- ۲۵ قوت و عزت، لباس او است، و درباره وقت آینده می‌خندد.
- ۲۶ دهان خود را به حکمت می‌گشاید، و تعلیم محبت‌آمیز بر زبان وی است.
- ۲۷ به رفتار اهل خانه خود متوجه می‌شود، و خوراک کاهلی نمی‌خورد.
- ۲۸ پسرانش برخاسته، او را خوشحال می‌گویند، و شوهرش نیز او را می‌ستاید.
- ۲۹ دختران بسیار اعمال صالحه نمودند، اما تو بر جمیع ایشان برتری داری.
- ۳۰ جمال، فریبنده و زیبایی، باطل است، اما زنی که از خداوند می‌ترسد ستوده خواهد شد.
- ۳۱ وی را از ثمره دستهایش بدهید و اعمالش او را نزد دروازه‌ها بستانید.
- را می‌دهد.
- ۱۶ درباره مزرعه فکر کرده، آن را می‌خرد، و از کسب دستهای خود تاکستان غرس می‌نماید.
- ۱۷ کمر خود را با قوت می‌بندد، و بازوهای خویش را قوی می‌سازد.
- ۱۸ تجارت خود را می‌بیند که نیکو است، و چراغش در شب خاموش نمی‌شود.
- ۱۹ دستهای خود را به دوک دراز می‌کند، و انگشتهایش چرخ را می‌گیرد.
- ۲۰ کفهای خود را برای فقیران مبسوط می‌سازد، و دستهای خویش را برای مسکینان دراز می‌نماید.
- ۲۱ به جهت اهل خانه‌اش از برف نمی‌ترسد، زیرا که جمیع اهل خانه او به اطلس ملبوس هستند.
- ۲۲ برای خود اسبابهای زینت می‌سازد. لباسش از کتان نازک و ارغوان می‌باشد.